

# حجرات



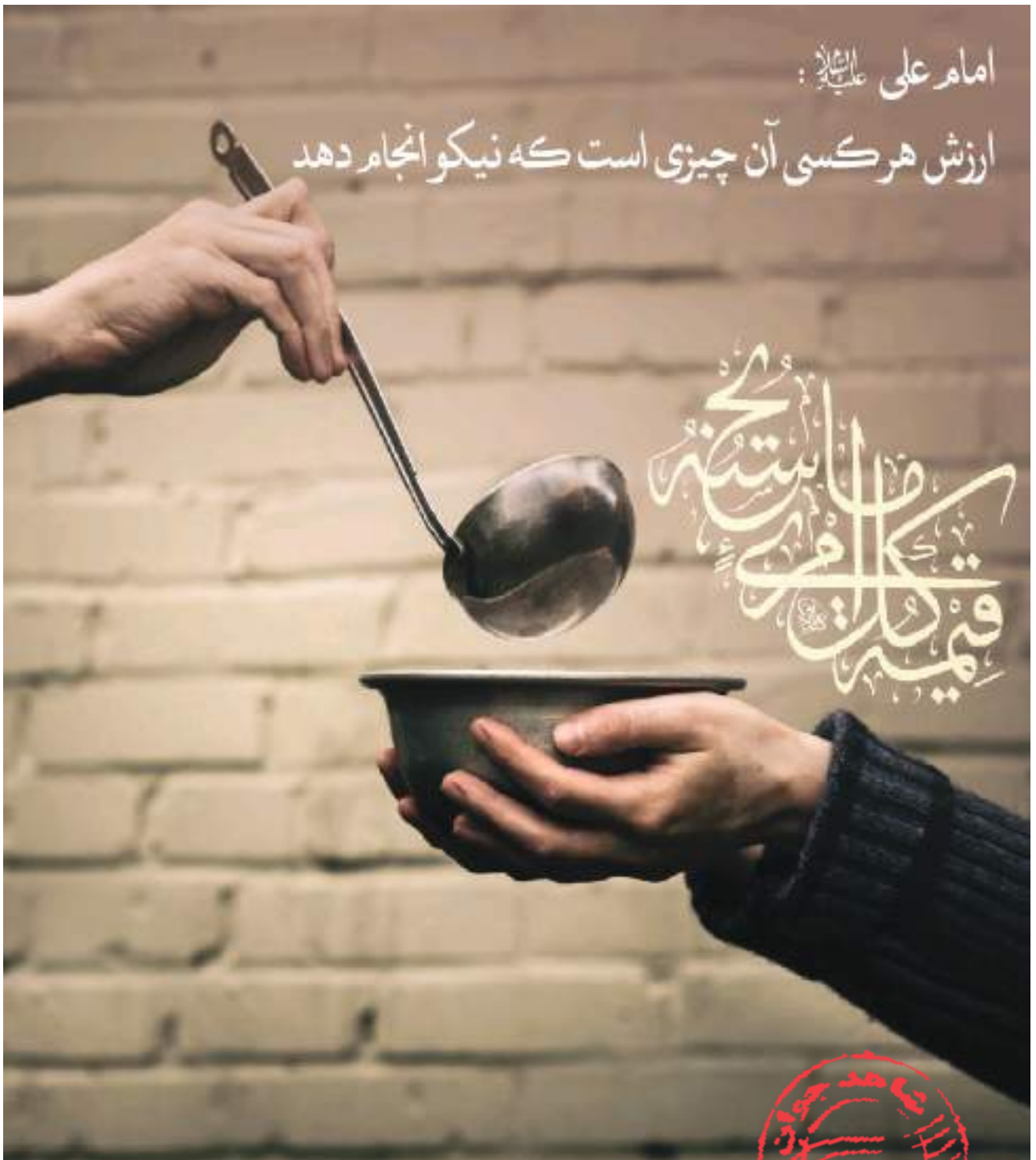
سرگذشت مرموز قصر  
رانندگی یعنی تصمیم گیری  
رشد علمی جوانان را مدیون پیروزی انقلاب هستیم  
تاثیر ورزش بر سلامت روان

## کامبیز دیرباز با نقش شهید زرین در فیلم «تک تیرانداز»





ارزش هر کسی آن چیزی است که نیکو انجام دهد.  
امام علی (ع)



امام علی (ع):

ارزش هر کسی آن چیزی است که نیکو انجام دهد

فَمِنْ كَلِمَاتِ الْحِكْمَةِ  
الَّتِي نَسَخَهَا اللَّهُ



# فهرست



۴	بیانات رهبری
۵	سرمقاله
۶	اخبار جوان
۸	گفتگو
۱۰	تقویم فجر
۱۲	گزارش فیلم
۱۴	خاطراتی از شهید
۱۶	گفتگو
۱۸	وصایای شهدا
۲۰	معرفی جشنواره فجر
۲۲	تندرستی
۲۴	گفتگو
۲۶	پیشنهاد گردشگری
۲۸	شعر
۳۰	قهرمانان ۵۷
۳۴	گفتگو
۳۶	عکس نوشت
۳۸	معرفی کتاب
۴۰	مهارت آموزی
۴۲	علمی
۴۶	بهداشت
۴۸	گفتگو
۵۲	اینفوگرافیک
۵۴	گفتگو
۵۶	گفتگو
۵۸	طنز

# شاهد جوان

ماهنامه فرهنگی و اجتماعی  
شماره ۱۷۸-۱۷۷ ویژه نامه دهه فجر بهمن ماه ۱۳۹۹  
قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد شهید و امور ایثارگران  
مدیر مسئول و سردبیر: دکتر رحیم نریمانی  
مدیر اجرایی: خدیجه اکبری  
دبیر تحریریه: مریم حضرتی  
ناظر نشریه: سیده فاطمه رضایی

همکاران این شماره:  
ابوالفضل کیمیایی- سارار صادقی- نجمه علینقیان- علی مولزاده-  
ریحانه دیهیم جو- سپیده رضواند و اکرم جدیدی ممتاز

مدیر هنری: مریم حضرتی

امور فنی: آتلیه نشرشاهد  
ناظر فنی چاپ: علیرضا قاسمی  
تلفن تحریریه: ۸۸۳۰۸۰۸۶  
امور مشترکین: محمدرضا اصغری  
تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۲۳۵۸۴  
دورنگار امور مشترکین: ۸۸۳۰۸۳۴۸

ناشر: انتشارات شاهد  
تهران- خیابان طالقانی  
خیابان ملک الشعرای بهار شمالی- شماره ۵  
تلفن: ۸۸۸۳۵۱۰۸  
سندوق پستی: تهران ۱۵۷۱۵/۱۹۴

چاپ: چاپخانه سازمان فرهنگی سیاحتی کوثر

\* شاهد جوان برای جوانان ۱۷ تا ۲۵ سال منتشر می شود.  
\* مجله در تلخیص و ویرایش مطالب رسیده آزاد است.  
\* مطالب رسیده بازگردانده نمی شود  
\* نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ مجاز است

# بیانات رهبری



غدیر و نوروز است که ملت در آن از یک دوران سخت محرومیت از طعام مادی و معنوی خارج شد، اسماعیل های خود را قربانی کرد و نعمت ولایت برای ملت ایران صورت عملی و تحقق خارجی گرفت و از یک دوران سرد و سیاه زمستان ستم شاهی بیرون آمد ۲۲ بهمن و دهه فجر برای ما روز بازیابی خاطره های انقلاب است و ما باید در این روز ضمن تجدید عهد با اسلام، انقلاب و امام تصمیم بگیریم که این راه روشن و منور را تا آخر و به بهترین وجه پیمائیم

بزرگترین خاطره ملت ایران پس از ورود اسلام به ایران دانستند و با تأکید بر لزوم بزرگداشت این خاطره مهم فرمودند: دشمنان ما با یاد انقلاب و خاطره دوران پیروزی نیز خصومت دارند. آنها همواره سعی کرده اند به انقلاب خدشه وارد کنند و سیمای منور امام را مخدوش سازند. آنها اسلام و انقلاب را رویاروی خود می بینند لذا از بد گوئی نسبت به انقلاب، نظام اسلامی و کشور باز نخواهند ایستاد. رهبر انقلاب اسلامی ۲۲ بهمن را عید حقیقی برای ملت ایران خواندند و فرمودند: این روز مبارک در طراز اعیاد فطر، قربان،

رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با مردم از ۲۲ بهمن به عنوان عید حقیقی برای ملت مسلمان ایران یاد کردند و فرمودند: تشکیل نظام اسلامی و انقلابی، راه آزاد زیستن و تکامل انسانی که امام عظیم الشان و فقیدهای متمدن فرمودند، سازندگی حقیقی و عدم سازش با قدرت های ضد اسلامی، از جمله دستاوردهای بزرگ انقلاب اسلامی به شمار می روند و روز ۲۲ بهمن سالروز پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در حقیقت به مثابه یکی از اعیاد بزرگ اسلامی برای ملت ماست. ولی امر مسلمین دهه فجر و ۲۲ بهمن را



اوقات فراغت جوانان، مشابه شمشیری دولبه است که اگر از آن به طور اصولی و هدفمند استفاده شود نه تنها سرگرم کننده و مفرح است بلکه زندگی آنها را با برنامه‌ای، منسجم و هوشمندانه تعالی می‌بخشد. اگر این اوقات گرانبها و سالم و با برنامه‌های مقبول سپری نشود، زمینه‌های گرایش به فساد و تباهی و انحطاط جوانان را فراهم می‌آورد. این تباهی تنها مفهومی از ناهنجاری اجتماعی نیست، بلکه مصداقی از به هدر رفتن منابع و انرژی انسانی (مالی و مادی) است. تخریب منابع انسانی و اجتماعی منجر به بدبختی، فقر و بالاخص اعتیاد در جامعه می‌شود. به همین لحاظ نقش سیاست‌های کلان برای برنامه‌ریزی اوقات فراغت نه تنها در ارتقای سلامت روحی و جسمی جوانان تاثیرگذار است بلکه سیاستی تعیین‌کننده از نظر تربیت نیروی انسانی برای آینده کشور محسوب می‌شود زیرا برنامه‌ریزی بر اساس نیازها و علاقه‌مندی‌ها، مد نظر قرار دادن افشار ضعیف، لزوم استفاده حداکثری از ظرفیت‌ها و امکانات محدود و فرهنگ سازی برای بهره‌گیری مناسب از اوقات فراغت، از جمله مواردی است که باید به آن به عنوان يك حوزه تخصصی نگریست.



### برای قرار گرفتن در بین ثروتمندان جهان چه قدر پول باید داشت؟

بیش از ۲۱۰۰ نفر در جهان در حال حاضر میلیاردر هستند. در حالی که تعریف عده‌ای از ثروتمند بودن داشتن خانه و خودرو لوکس و یک حساب بانکی با مانده بالا است، برای قرار گرفتن در بین یک درصد جمعیت ثروتمند جهان باید خیلی بیشتر ثروت داشت. در حالی که بسیاری از افراد در نتیجه کرونا شغل خود را از دست دادند و یا با کاهش شدید ثروت خود مواجه شدند، برخی از ثروتمندان ثروت خود را به میزان چشمگیری افزایش دادند. بانک کردیت سوییس در گزارش خود از ثروتمندان جهان نوشت: تا پایان اکتبر ۲۰۲۰ تعداد افراد دارای ثروت یک میلیارد دلار و بالاتر در جهان ۲۱۸۹ نفر بوده که در مقایسه با جمعیت ۷۸ میلیارد نفری جهان میزان خیلی کمی است. این افراد در مجموع بیش از ۴.۷ تریلیون دلار ثروت در اختیار دارند. در استرالیا دو میلیون نفر که دو دهک بالای جامعه را هم تشکیل می‌دهند به طور میانگین ۳.۲ میلیون دلار استرالیا ثروت دارند. همچنین در شرایطی که کرونا روی درآمد میلیون‌ها شهروند این کشور تاثیر گذاشته و حدود ۱۸ میلیون نفر نیز به طور دائمی شغل خود را از دست داده‌اند، ثروتمندان هم در آمریکا و هم در جهان از فرصت کرونا برای افزودن به ثروت خود استفاده کرده‌اند تا جایی که اکنون مجموع ثروت ۴۰۰ فرد ثروتمند نخست جهان به ۳.۲ تریلیون دلار رسیده است. آمریکا و چین به ترتیب بیشترین تعداد افراد میلیاردر را در جهان دارند. به گفته این بانک سویسی برای قرار گرفتن در یک دهک ثروتمندان جهان باید حداقل ۳۰۸ هزار دلار در سال درآمد داشت. ثروتمندترین فرد حال حاضر جهان جف بزوس - مدیرعامل و بنیان‌گذار آمازون - با بیش از ۱۸۵ میلیارد دلار ثروت است. برای قرار گرفتن در بین ۵۰ ثروتمند نخست جهان باید حداقل ۲۸.۹ میلیارد دلار ثروت، ۱۰۰ ثروتمند نخست حداقل ۱۹.۳ میلیارد دلار ثروت و ۲۰۰ ثروتمند نخست جهان حداقل ۱۱.۴ میلیارد دلار ثروت داشت.

## چرا غم و اندوه باعث گریه می‌شوند؟



بررسی‌ها نشان می‌دهد گریه رفتاری تکاملی است که به دیگران نشان می‌دهد فرد آسیب‌پذیر بوده و خطری ندارد. به طور کلی سه نوع اشک وجود دارد، اشک‌هایی که چشم را چرب می‌کند، اشک‌های واکنشی که عوامل و مواد محرک را می‌شویند و از بین می‌برند و اشک‌های احساسی که در مقایسه با دو نمونه قبلی، حاوی پروتئین و هورمون‌های بیشتری هستند. حالات چهره غمگین و ناراحت وقتی با اشک همراه می‌شوند، احساسات قوی‌تر را بیان می‌کنند. اشک‌های احساسی دید فرد را تار می‌کنند. گریه همراه با احساس غم و اندوه نیز باعث می‌شود فرد آسیب‌پذیرتر به نظر برسد. گریه به عنوان سیگنال واقعی در انسان تکامل یافته تا به دیگران نشان دهد که فرد قادر به حمله یا آسیب رساندن به دیگران نیست. الکی گریه کردن کار آسانی نیست و پاک کردن اشک‌های واقعی برای دستیابی به دید بهتر نیز کار دشواری است. در واقع گریه نشان‌دهنده ناتوانی فرد است.

بیل گیتس:

### جهان به بیت کوین نیازی ندارد

بیل گیتس در مصاحبه‌ای بیت کوین را فناوری خوانده است که جهان بدون آن می‌تواند به حیات خود ادامه دهد. به نظر می‌رسد بیل گیتس، بنیانگذار مایکروسافت چندان تمایلی به بیت کوین و دارایی‌های رمز ارزی ندارد. او در مصاحبه‌ای با روزنامه وال استریت ژورنال در پاسخ به این سوال که جهان بدون کدام یک از پیشرفت‌های فناورانه می‌تواند به حیات خود ادامه دهد، گفت: مسیر عملکرد رمز ارز در فضای امروزی زمینه را برای فعالیت‌های مجرمان خاصی فراهم کرده است. خوب است از آن خلاص شویم. احتمالاً باید در پاسخ به این سوال به اسلحه‌های بیولوژیکی اشاره می‌کردم. آن هم پدیده بدی است. اظهار نظر بیل گیتس نشان می‌دهد، او از طرفداران بیت کوین نیست. همچنین این امر نشان می‌دهد، به اعتقاد بیل گیتس رمز ارزها در معرض سواستفاده طرح‌های پولشویی و کلاهبردانه قرار دارند. من بیت کوین ندارم بنابراین دیدگاهم خنثی است. البته انتقال پول به شکل دیجیتالی‌تر و کاهش هزینه‌ها را بررسی می‌کنم.





گفت و گو\*

# شیرین‌ترین لحظات یک عکاس از ۲۶ سال هم‌نشینی با امام خمینی (ره)

«الهیان» درباره اولین عکسی که از اتفاقات مربوط انقلاب اسلامی گرفته، گفت: بعد از تهران، اولین شهری که در کشور شلوغ شد اصفهان بود و من از تظاهرات مردم عکاسی کردم. البته آن روز نیروهای ساواک از گاز اشک آور استفاده کردند و بعد از تعقیب و گریز فراوان در نهایت دوربین را از من گرفتند. عملیات دستگیری انقلابیون به دستور «ناجی» رئیس ساواک انجام می شد.



عکاسی از امام (ره) در فرانسه

«الهیان» درباره عکاسی از حضرت امام (ره) در فرانسه تعریف کرد: با یکی از همکاران به فرانسه رفتیم که البته خیلی سخت هم خودمان را به آنجا رساندیم. خوب به یاد دارم که از حضرت امام (ره) زیر درخت سیب و در حال نماز خواندن عکاسی کردم. چندین فریم عکس انداختم و نگاتیوها را به تهران آوردم تا بعد از چاپ با رعایت مسائل امنیتی آنها به دست مردم انقلابی برسد.

از سال ۱۳۴۲ تا زمان رحلت امام (ره) در کنار ایشان بوده و از سال‌های هم‌نشینی با بنیانگذار انقلاب اسلامی خاطره‌های فراوانی دارد. برای اینکه در کنار امام (ره) باشد و از ایشان عکاسی کند آرام و قرار نداشته و انگار که آن روزها در زندگی اش طور دیگری نفس کشیده و حال و هوایی غیر از همیشه داشته است. «حجت‌الله الهیان بروجنی» را می‌گوییم؛ عکاسی که ۲۶ سال از جوانی خود را در کنار امام خمینی (ره) گذرانده و ناگفته‌های بسیاری از آن هم‌نشینی دارد. او در یکی از روزهای ایام الله دهه فجر میهمان ما بود و از شیرینی‌های عکاسی از امام خمینی (ره) گفت.

«حجت‌الله الهیان بروجنی» که سال‌ها در کنار امام (ره) بوده و از ایشان در ایران و فرانسه عکاسی کرده در ابتدای گفت و گو با خبرنگار نوید شاهد از بیوگرافی اش گفت و تعریف کرد: من در سال ۱۳۲۵ در «بروجن» از توابع «اصفهان» متولد شدم و از سال ۱۳۴۱ عکاسی کردم. یک دوره عکاسی در اصفهان دیده بودم و به تهران آمدم، درست همان سالی که امام (ره) را دستگیر کردند. من آن موقع در عکاسخانه «شهرزاد» در چهار راه مولوی کار می‌کردم. آقا را پس از دستگیری به باغشاه آوردند و وقتی از این موضوع خبردار شدم به هر زحمتی بود خودم را به آنجا رساندم. اما موفق به عکاسی نشدم چون نمی‌توانستم دوربین را با خودم به آنجا ببرم.

## عکاسی از ورود حضرت امام (ره) به کشور

این عکاس پیشکسوت که در روز ورود حضرت امام خمینی (ره) به کشور هم در فرودگاه مهر آباد حضور داشته و عکاسی کرده، از آن روز تاریخی تعریف کرد: حس و حالی که آن روز داشتم و جمعیتی که برای استقبال از حضرت امام (ره) آمده بودند را هیچوقت فراموش نمی‌کنم. از فرانسه که به ایران آمدم امام (ره) چند هفته بعد به کشور تشریف آوردند. من را به منزل آقای «مستقیمی تهرانی» معرفی کردند که بعدها دفتر تبلیغات اسلامی شد. بعد از فرود هواپیمای امام (ره) نزدیک شدم و چند فریم عکس از ایشان گرفتم. وقتی امام (ره) وارد سالن شدند، چند عکس از ایشان گرفتم و خلاصه هیچ فرصتی را برای ثبت لحظه‌های ورود ایشان از دست نمی‌دادم. خبرنگاران خارجی را از در دیگری با خودرو «فورد» به «بهشت زهرا» (س) بردند. در بهشت زهرا (س) برای عکاسان محل اختصاصی در نظر گرفته بودند و در فاصله ۵ متری از امام (ره) قرار داشتم. ۲ تریلی نان و پنیر از اصفهان به بهشت زهرا (س) آمده بود و به مردم غذا می‌دادند. صحنه‌های عجیبی بود که هیچوقت آنها را فراموش نمی‌کنم. تا امام (ره) به بهشت زهرا (س) برسند چند دقیقه ای طول کشید که از فرصت استفاده کردم و چند عکس از محوطه آنجا گرفتم. امام (ره) با هلی کوپتر آمدند و آنقدر جمعیت زیاد بود که نیروهای بسیج دست‌هایشان را به هم

داده بودند و از این طریق تونل عظیمی را تشکیل دادند تا ایشان به سلامت عبور کند. من درست بغل تونل بودم و وقتی امام (ره) به آنجا رسیدند دستی برای جمعیت تکان دادند که از این فرصت نهایت استفاده را کردم و تا توانستم عکس گرفتم.

الهیان درباره ویژگی‌های امام (ره) برای عکاسی گفت: شیرین‌ترین لحظات را حین عکاسی از امام (ره) تجربه کردم. نگرانی از دستگیری توسط ماموران ساواک و سختی عکاسی با دوربین آنالوگ را شیرینی هم نشینی با امام (ره) جبران می‌کرد.

### حال و هوای عجیب در روز سفر امام (ره) از مدرسه علوی به قم

«الهیان» همراه با امام (ره) از مدرسه علوی به قم رفته است و در این باره تعریف کرد: صبحی که امام (ره) از مدرسه علوی به قم تشریف بردند را هیچوقت فراموش نمی‌کنم. بوی اسپند کوچه را پر کرده بود. وقتی خودرو رسید، اول احمد آقا و سپس امام (ره) از مدرسه بیرون آمدند. خودرو که حرکت کرد مردم که برای سلامتی امام (ره) اسپند دود می‌کردند با حسرت ایشان را تماشا می‌کردند. نزدیک قم در کنار جاده چند دقیقه ای توقف کردیم از فرصت پیش آمده استفاده کردم و چند عکس از زاویه‌های مختلف از امام (ره) انداختم. وقتی به قم رسیدیم از مردمی که به استقبال آمده بودند هم چند عکس گرفتم. امام (ره) دستور داده بودند که با من تماس بگیرند تا به دیدارشان بروم..



## ۱۲ بهمن

بازگشت امام خمینی (ره) به میهن  
پس از سال‌ها تبعید

ایران در انتظار امام خمینی (ره) غرق سرور است. مردم تهران به شوق ورود امام، خیابان‌ها را آب و جارو می‌کنند، خط‌های سفید وسط خیابان تا کیلومترها تمیز شده و مردم مسیر حرکت امام را پر از گل کرده‌اند. ساعت نه و بیست و هفت دقیقه صبح، امام وارد خاک ایران شد.



بازگشت امام خمینی (ره) به میهن پس  
از سال‌ها تبعید

## ۱۳ بهمن

ادامه درگیری‌های شدید در شهرهای کشور - شاپور بختیار در واکنش به استقبال عمومی مردم از ورود امام، پی‌درپی با انجام مصاحبه و صحبت در مورد برنامه‌های آتی خویش سعی در عادی جلوه‌دادن اوضاع دارد. مردم، چشم و گوش به مدرسه‌ی علوی دوخته‌اند.



استعفای شهردار تهران و انتصاب دوباره او  
از سوی امام به همان سمت

در تمام کشور مردم به اعتصاب عمومی دست زده‌اند. کارکنان ادارات و وزارتخانه‌های مختلف، وزیران و مدیران دولت را به محل کار خود راه نمی‌دهند. جواد شهرستانی، شهردار وقت تهران، به دیدار امام می‌رود و استعفانامه‌اش را به ایشان تسلیم می‌کند و البته دوباره از سوی امام شهردار می‌شود.

## ۱۴ بهمن

اعتصاب کارکنان نخست‌وزیری

بازداشت بسیاری از وزراء و کارمندان عالی‌رتبه دولت به جرم  
فساد مالی و سوءاستفاده از بیت‌المال توسط دولت بختیار



انتخاب مهندس مهدی بازرگان به نخست‌وزیری  
دولت موقت از سوی امام خمینی (ره)

## ۱۶ بهمن

ده‌ها خبرنگار داخلی و خارجی، گروه‌های مختلف مردم و جمعی از نزدیکان امام در سالن مدرسه‌ی علوی اجتماع کرده‌اند. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی حکم نخست‌وزیری مهندس مهدی بازرگان را قرائت می‌کند.



تظاهرات گسترده به حمایت از  
بازرگان در سطح کشور

## ۱۷ بهمن



حذف سوگند وفاداری به شاه از مراسم قسم سربازی؛ خروج ژنرال هایزر از ایران - مردم در خیابان‌ها و در حمایت از دولت بازرگان تظاهرات می‌کنند. شعارها علیه بختیار است، مردم بختیار را نمی‌خواهند.

تجمع طرفداران بختیار در ورزشگاه  
امجدیه (شهید شیرودی)

## ۱۸ بهمن

آغاز کار «کانال تلویزیونی انقلاب» امام خمینی (ره) فرمان داده‌اند نام اشخاصی که به نوعی به کشور و مردم خیانت کرده‌اند افشا شود. با تلاش مردم و متخصصین، فرستنده‌ای سیار در مدرسه‌ی علوی راهاندازی می‌شود. اینجا تهران، کانال انقلاب!

عده زیادی از همافران و پرسنل نیروی  
هوایی در مقابل امام خمینی (ره)

## ۱۹ بهمن

بختیار دستور تیراندازی به سمت مردم را می‌دهد. در بعضی از نقاط کشور به سمت مردم تیراندازی می‌شود. عده‌ی زیادی از همافران و افراد نیروی هوایی، با لباس‌های نظامی و در میان شادی و حیرت مردم به اقامت‌گاه امام رفتند.



اعلام سیاست‌ها و وظایف دولت موقت توسط مهندس مهدی بازرگان

درگیری شدید میان همافران و دانشجویان نیروی هوایی با افراد گارد جاویدان. پس از خبر ساعت ۲۰، تصاویری از دوران اقامت امام خمینی در پاریس از شبکه سراسری تلویزیون پخش شد. هم‌زمان با پخش تصویر امام خمینی، همافران نیروی هوایی در پادگان، فریاد «الله اکبر» سر دادند.

## ۲۰ بهمن

## ۲۱ بهمن

اعلام بی‌طرفی ارتش و پیروزی انقلاب اسلامی ایران

تهران و اغلب شهرستان‌ها همچنان صحنه جنگ خونین مردم و نیروهای مسلح بود. شهربانی کل کشور، دانشکده افسری، دانشکده پلیس و دبیرستان نظام نیز به دست نیروهای مردمی فتح شد. مردم، زندان کمیته‌ی مشترک ضدخرابکاری را که مرکز بازجویی و شکنجه متهمان سیاسی بود، به تصرف درآوردند و زندانیان را آزاد کردند. تا غروب این روز، تمام کلانتری‌ها، پادگان‌ها، پاسگاه‌ها و مراکز نظامی به دست مردم افتاد، زندان قصر، زندان جمشیدیه نیز تصرف شد و زندانیان آن‌ها فرار کردند، اما توسط مردم دستگیر شده و به مدرسه رفاه محل شورای انقلاب برده شدند.

## ۲۲ بهمن



# فیلمهایی که به ورود حضرت امام(ره) به ایران و پیروزی انقلاب اسلامی پرداختند

گزارش فیلم



سینمایی که پس از ورود حضرت امام خمینی(ره) به ایران و پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی تحول چشم گیری در زمینه‌های محتوا، کیفیت و نرم افزاری و سخت افزاری بدست آورد و در این دوره هدف اصلی سیاستگذاران فرهنگی کشور، ارتقای کیفی آثار بوده که همین مساله به ایجاد رابطه بهتر و سالم میان مردم، فیلمسازان و مسئولان و در پی آن ایجاد تحولاتی شگرف در سینمای ملی منجر شد.

## تلاش تصویری برای ورود حضرت امام (ره)

فیلم «برای آزادی» از نخستین آثاری بود که در اوایل سالهای پیروزی انقلاب اسلامی به مناسبت ورود امام(ره) به کشور ساخته شد و طی سه دهه اخیر نیز قسمت‌هایی از این مستند به نمایش درآمده است. مستند «برای آزادی» به صورت رنگی و در قالب ۳۵ میلیمتری ساخته

پس از ورود حضرت امام به ایران و پیروزی انقلاب اسلامی، سینما با قدم گذاردن در دوره‌ای نوین تا به امروز سعی داشته که با خلق آثاری درخصوص این رویداد بزرگ، دین خود را ادا کند. دوازدهم بهمن ماه ۱۳۵۷ مصادف بود با ورود حضرت امام خمینی(ره) به ایران و ۱۰ روز تا پیروزی انقلاب اسلامی. در خصوص ورود امام (ره) به کشور و پیروزی انقلاب اسلامی ایران می‌توان ساعت‌ها قلم چرخاند و لب گشود، اما در این گزارش تنها به انعکاس برخی از مهمترین آثار سینمایی در خصوص این رویداد مهم بر پرده نقره‌ای سینما اشاره خواهیم کرد.

شده است. فیلم «برای آزادی» با این جمله، (انقلاب ما همه جا بود، همه بودند... آغاز می شود و با صدای شعار مردم که يك صدا فریاد می زنند، «ای شاه خائن آواره گردی، خاك وطن را ویرانه کردی، کشتی جوانان وطن، الله اکبر، کردی هزاران در کفن، الله اکبر» و تصویری از لحظات فرار محمد رضا پهلوی و همسرش و بالا رفتن آنها از پلکان هواپیما ادامه می یابد. ترابی به مشکلاتی که برای ساخت این مستند با آن مواجه بود اشاره کرده و می گوید که اوایل انقلاب کماکان محدود افرادی بودند که به دلیل ترس از رژیم فاسد پهلوی با ساخت این مستند مخالفت می کردند و به همین دلیل اجازه استفاده از تجهیزات فیلمبرداری را به من نمی دادند، به آنها گفتم اگر دوربین ندهید در انبار را می شکم و اگر بدهید مسئولیت آن را خودم بر عهده می گیرم. وقتی آنها اصرار بیش از حد من را دیدند، یک دوربین ۳۵ میلیمتری به من داده و گفتند: نگاتیو نداریم. خوشبختانه آقای قاضی زاده از همکاران و یکی از فیلمبرداران این مستند، هشتاد قطعه نگاتیو در دفتر کارش داشت و همه آنها را آورد و با همان امکانات محدود ساخت این مستند را آغاز کردیم.

### مستند انقلابی که دنیا را تکان داد

این درحالی است که چندی پیش این فیلم «برای آزادی» از سوی سایت فیلم BFI انگلیس، به عنوان ۱۰ مستندی که توانسته دنیا را تکان دهد انتخاب و معرفی شد. این گزارش درباره مستند «برای آزادی» آورده است: «این فیلم حرفه ای با صحنه های بدیع، انقلاب ایران را «اسپیلبرگ گونه» به تصویر کشیده است.

### «فرزند صبح» در دهه سوم انقلاب

جدیدترین فیلم در این خصوص نیز فیلمی با عنوان «فرزند صبح» به کارگردانی «بهروز افخمی» و تهیه کنندگی «محمد رضا شرف الدین» است که هم اکنون

در مرحله تدوین قرار دارد. این فیلم به روایت زوایای مختلفی از زندگی امام خمینی (ره) می پردازد. در این فیلم بازیگرانی چون، «هدیه تهرانی»، «سحر دولت شاهی»، «محمد رضا شریفی نیا»، «آتیلا پسیانی»، «الیکا عبدالرزاقی» و... به ایفای نقش پرداخته اند. در این اثر سه بازیگر، نقش های حضرت امام (ره) را در مقاطع سنی مختلف ایفاء کرده اند.

### انقلاب اسلامی بر پرده سینما

اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سینمای ایران با ورود به دوره ای جدید، سعی کرد با خلق آثاری در خصوص این رویداد بزرگ، دین خود را ادا نماید. بنابر این فیلم ها رویکردی انقلابی به خود گرفتند و سینماگران همپای ملت ایران، در عرصه سینما فعالیت های چشمگیری را در این زمینه به ثبت رساندند. فیلم های «تشریفات» ساخته «مهدی فخیم زاده»، «فرزند صبح» ساخته «بهروز افخمی»، «پرونده» ساخته «مهدی صباغ زاده»، «خونبارش» امیرقویدل، «قیام» رضا صفایی، «عبور از مرز شب» تقی کیوان سلحشور، «زنده باد» خسرو سینایی، «سرباز اسلام» امان منطقی، «قدیس» ناصر محمدی، «طلوح انفجار» پرویز نوری، «پرونده» مهدی صباغ زاده، «خانه عنکبوت» علیرضا داود نژاد، «بالاش» اکبر صادقی، «جدال» محمدعلی سجادی و... از جمله آثاری هستند که طی سه دهه اخیر با پرداختن به ورود حضرت امام (ره) و پیروزی انقلاب اسلامی ساخته شده اند. در حوزه ی فیلم های مستند هم آثار متعددی در این زمینه تهیه و تولید شده که سه مجموعه «خاطرات و روایات» به کارگردانی «محمود هاشمی جمکرانی» مجموعه «مستند انقلاب» به تهیه کنندگی «ذبیح الله آجاقلو» و مجموعه مستند «متولد ۵۷» ساخته «علی حسین پور»، از جمله آثار ساخته شده برای به تصویر کشیدن این رویداد مهم تاریخی هستند.



# ۵ خاطره موشکی از شهید طهرانی مقدم

## شهید طهرانی مقدم با توپخانه شروع کرد

در زمان جنگ همه دنبال این بودند که بدانند چیزهای کوچک چیست مثل آرپی.جی ۷ و... ایشان آن زمان در اوایل جنگ دنبال این بود که بدانند خمپاره چیست؟ بعد هم زمانی که دیگر اوج امکانات و دستیابی به تجهیزات پیشرفته به لحاظ آن روزها بود، وقتی دید که توپ به دستش رسیده، به دنبال تشکیل توپخانه رفت و در سال ۱۳۶۳ بحث موشکی را مطرح و این مسیر را در راستای کمی و کیفی ادامه داد. ایشان در طول مدتی که ما در خدمت شان بودیم کارهای خیلی بزرگی کرد. بحث سازماندهی توپخانه و راه اندازی توپخانه مدیون ایشان و شهدای بزرگ دیگر بود. ایشان هر جا که گیر می کرد با زبان شیرین و اخلاق خوبی که داشت همه موانع را رفع می کرد. (راوی: سردار امیرعلی حاجی زاده)

## آغاز مهندسی معکوس ساخت موشک

اولین سری موشکهایی را که از خارج خریدیم و وارد کردیم شهید طهرانی مقدم کندوکاو کردند تا بلکه از طریقه ساخت موشک و راه اندازی و توسعه صنعت موشک آگاهی پیدا کنند. همچنان که آقای محسن رفیق دوست که آن زمان وزیر سپاه بود هم نقل کرده شهید عزیزمان از آقای محسن رضایی خواهش کردند اجازه دهند که یک فروند از موشکها را باز و آنالیز کنند تا به اصطلاح ببینند که چی به چی است. در آن زمان تهیه موشک کار خیلی سختی بود. از طریق بعضی از کشورها هم که تهیه می کردیم خیلی راحت نبود تا اجازه داده شود مهندسی معکوس صورت بگیرد. بنابراین اینکه یکی از موشکهایی که به دشمن شلیک می شد مورد مطالعه قرار بگیرد اقدام قابل توجه و مهمی بود. لذا شهید مقدم وارد این عرصه شد. (راوی: دکتر محمد جعفری)



شهید طهرانی مقدم مسئول هوا فضای سپاه پاسداران، ملقب به پدر موشکی ایران و مسئول سازمان جهاد خودکفایی ۹ سال پیش بر اثر انفجار در یکی از پادگانهای نزدیک تهران خود و جمعی از همکارانش به شهادت رسیدند. بیست و یکم آبان ماه سال ۱۳۹۰، خبر شهادت شهید «حسن طهرانی مقدم» و همکارانش ایران را در حزن عمیق فرو برد. پدر موشکی ایران که رهبر معظم انقلاب ایشان را «سردار عالیقدر، دانشمند برجسته و پارسایی بی ادعا» خواندند و امروز همگان از او با عنوان اسطوره صنعت موشکی ایران یاد می کنند. در این شماره ۶ روایت ناب از «حسن طهرانی مقدم» از زبان خانواده، نزدیکان و همزمان شهید را می خوانیم.

## موشک عشق سردار بود

هاست که حدود ۳۰ - ۴۰ کیلومتر جلو تر آن را پیدا کردیم. بعد هم بچه های ما تصمیم گرفتند به آنجا شلیک کنند. عاقبت وقتی یکی دو ساعت تلاش کردند اتفاق غیر منتظره ای افتاد و موشک در خود سکو منفجر شد و سکو و اطرافش به هوا رفت و دو سه تن از بچه ها هم جراحت کمی برداشتند. همان سالها ما هر وقت یاد آقای مقدم می کردیم، یاد آقای قالیباف می افتادیم که می گفت آقای مقدم! نمی خواهد به سمت عراق شلیک کنید! البته به طنز می گفت. می گفت هر وقت اسم آقای مقدم می آید به یاد آن صحنه می افتم. (سرهنگ بازنشسته پاسدار مجید حسینی به روایت از سردار قالیباف)

### شهید طهرانی مقدم یگان موشکی سپاه را فعال کرد

بعد از اینکه عراق موشک باران را شروع کرد، دستیابی به فناوری موشک سازی در دستور کار جمهوری اسلامی قرار گرفت. آن زمان حاج محسن رفیق دوست، وزیر سپاه بود و با ارتباطی که قبل از انقلاب با کشورهای مثل سوریه و لیبی داشت، توانست با رایزنی، از آن‌ها موشک اسکاد بی بگیرد که حاج حسن آقا نیز انتخاب و تعیین شد تا برای آموزش ساخت موشک و راه اندازی یگان موشکی سپاه جمهوری اسلامی ایران به این کشورها برود. بنابراین ایشان کم کم از توپخانه جدا شد و به لیبی و جاهای دیگر رفت و پس از مدتی هم یگان موشکی سپاه را فعال کرد. درحقیقت پیش از اینکه این شهید عزیز از کشور بیرون برود، کسانی مثل شهید شفیع زاده و سردار حاجی زاده کنار حاج حسن آقا بودند و اداره توپخانه را برعهده گرفتند. (راوی: محمدحسن محققى هم‌رزم شهید)

حاج حسن آقا فرمانده موشکی بود. اصلاً موشک، عشقش بود؛ هر جا موشک بود، ایشان را می توانستی پیدا کنی. همیشه به من می گفت باید بدنی قوی داشته باشیم. چون اشتغال به موشک با همه کارهای دیگر فرق می کند. وقتی می خواهید یک کابل موشک را بالا بکشید، اگر توان نداشته باشید، مهره‌ها بلافاصله جابجا می شوند. چه بسا که خیلی ها هم مهره‌هایشان جا به جا شد و خیلی‌ها زانودرد گرفتند. بنابراین چون این کار، سنگین است، افراد باید اینقدر توان داشته باشند و توان رزمی‌شان بالا باشد که بتوانند به راحتی اینها را حمل کنند و کارهایشان را انجام دهند، راحت بتوانند کار تعمیرات را انجام دهند. می‌دیدم که فراهم آوردن همه امکانات ورزشی برای آمادگی جسمانی جوانها لازم است و ما باید امکانات رشته مورد علاقه کارکنان را مهیا کنیم و همه اینها از طریق خود سردار مقدم انجام شد. (راوی: سردار ناصر شهبسوازی از دوستان شهید)

### شوخی موشکی سردار قالیباف با شهید طهرانی مقدم

سال ۱۳۶۳ - ۱۳۶۴ در قرارگاه بودیم که حاج حسن آقا موشکی ساخته بود با برد ۵۰-۶۰ کیلومتر و می گفت به ما آدرسی بدهید که آن را بر سر عراقی ها فرود بیاوریم. منظورش این بود که موشک را به وسیله شلیکی درست و دقیق امتحان کنیم و همین طوری در میدان تیر نزنیم؛ حساب شده باشد. همه بچه ها را در جزیره مجنون جمع کردیم و خبر دادیم آن موشک را بیاورند. بچه های اطلاعات عملیات هم تحقیق کردند و گفتند فلان نقطه، مقر خودروهای عراقی



## نقش شهید زرین در فیلم «تک تیرانداز»

حضورم در این فیلم قطعی شد، اول از همه با پسر شهید زرین آقای دکتر زرین ارتباط برقرار کردم. ایشان هم محبت کرد هرچه اطلاعات درباره شهید وجود داشت در اختیار من گذاشت، از جمله فایل‌های صوتی محدود یا تک‌پلان ۳۰ ثانیه‌ای از پدرشان که خیلی ارزشمند بود؛ چون من ۳۰ ثانیه فرصت داشتم که قامت و فرم ایشان را ببینم.

اگر اشتباه نکنم، جایی از فیلم هم صدای واقعی شهید زرین را می‌شنویم. بله، همان جایی که با واکنش، صدای بچه‌اش را گوش می‌دهد. به هرحال من در زمان تحقیق و پژوهش، با دکتر زرین به‌عنوان نماینده خانواده شهید در تماس بودم. ایشان هم لینک‌ها و مطالب مرتبط با شهید زرین را در اختیار من گذاشتند و من همه را به دقت خواندم. در کنار این‌ها مستندهای جنگی دیدم که احساس کردم می‌تواند در این زمینه به من کمک کند. البته بعضی از آن‌ها برایم تکراری بود، چون قبلاً دیده بودم. بعضی مستندها هم جدید بود. کلنجار رفتن با فیلمنامه هم که مختص همه‌ی فیلم‌ها و همه نقش‌هاست. در پیش‌تولید هم که جلسات مختلف تمرین داشتیم تا این‌که آماده فیلمبرداری شدم.

### چرا چندان روی شباهت چهره و فیزیک شما با شهید زرین تاکید نشد؟

بهتر است علی‌غفاری به عنوان کارگردان به این سوال پاسخ دهد. معمولاً وقتی نقشی به خود بازیگر پیشنهاد می‌شود، نمی‌گویند من این نقش را بازی نمی‌کنم، چون شبیه آن شخصیت واقعی نیستم. البته من برای این نقش نه یک بار نه دو بار بلکه چندین بار پرسیدم که آقای غفاری نگاه شما نسبت به این ماجرا و انتخاب من برای بازی در این نقش چیست؟ گفتند ما می‌خواهیم برشی از زندگی شهید زرین را در فیلم ببینیم و چندان هم در این مدل کار، نمی‌خواهیم روی شباهت متمرکز شویم. کمالین که ما نمونه‌های خارجی هم داریم که چهره و فیزیک بازیگران، چندان شبیه ما به ازاهای واقعی نیست. نمونه‌اش فیلم تک تیرانداز آمریکایی که چهره بردلی کوپر شباهت زیادی به آن شخصیت واقعی ندارد. در همین فیلم تک تیرانداز، ما به جای چهره بیشتر روی رفتار و اخلاق شهید زرین تاکید داشتیم و با اجازه خانواده‌شان، اسم و نام خانوادگی شهید را مدنظر قرار دادیم. همچنین روی قصه‌ای که داشتیم، تمرکز کردیم. در مجموع سعی کردیم یک قهرمان باورپذیر را برای بیننده نمایش دهیم. قصدمان این بود کسی که از قبل هم شهید زرین را می‌شناسد، از دیدن فیلم لذت ببرد. حتی تلاش کردیم، اگر یک تماشاگر خارجی که اصلاً با فرهنگ ایران بیگانه است و این فیلم را با زیرنویس در یک جشنواره خارجی ببیند، هم با فیلم و شخصیت ارتباط برقرار کند و او را به عنوان یک قهرمان بپذیرد.

کامبیز دیرباز که به تازگی هنرمایی او در سریال آقازاده را به تماشا نشسته ایم، از بازی در نقش شهید زرین می‌گوید. به گزارش گروه وبگردی باشگاه خبرنگاران جوان، فیلم‌های سینمای ما همیشه کمیت قهرمان‌هایش می‌لنگیده و کمتر فیلمی می‌شود پیدا کرد که در آن همه عناصر - از فیلمنامه و کارگردانی تا موسیقی و طراحی صحنه و... - دست به دست هم داده باشد تا یک قهرمان جاودانه از دل بیرون بیاید.

البته که در سال‌های بعد از انقلاب و تا اواسط دهه ۷۰ می‌شد رگه‌هایی از قهرمان‌های باورپذیر پیدا کرد که دارای تمام شاخصه‌های یک قهرمان باشد، اما بعد از آن آنقدر فیلم‌ها نتوانستند قهرمان جاودانه و باورپذیر خلق کنند که بسیاری از آن‌ها عطای قهرمان را به لقایش بخشیدند و رفتند طرف فیلم‌هایی که همه شخصیت‌هایش خاکستری بودند. مرز بین خیر و شر هم (به‌معنای کلاسیک آن در قصه) درهم رفت و تمایزش کمتر و کمتر شد تا جایی که قهرمان، گمشده‌ی سینمای ما شد. این بار، اما همه چیز دست به دست هم داده بود تا در تک‌تیرانداز یک قهرمان جاودانه شکل بگیرد. شهید زرین - قهرمانی که با یک گرینوف (تفنگ دوربین‌دار) کار یک لشکر را می‌کرد.

ارزش نقش این قهرمان را کامبیز دیرباز وقتی فیلمنامه را خواند به‌واسطه تجربه و هوشش دانست و شک نکرد که این قهرمان همان قهرمان گمشده‌ی سینمای ماست و به قول خودش، این نقش را روی هوا زد. به بهانه این قهرمان و فیلم قهرمان‌محوری که می‌تواند نقطه‌عطفی در این‌گونه فیلم‌ها باشد گپی زده‌ایم با کامبیز دیرباز؛ گپی که البته در شرایط بدی شکل گرفت. در نخستین روزهای پس از خداحافظی علی انصاریان. قهرمانی که دوستی دیرینه با دیرباز داشت و رفتنش عجیب او را به هم ریخته بود. با این حال او تا اندازه‌ای به این نقش و این شهید ادای دین داشت که حاضر شد در بدترین شرایط روحی با ما درباره این نقش به گفتگو بنشیند.

### احتمالاً پیش از فیلم تک‌تیرانداز، یک شناخت نسبی از شهید زرین

داشتید، اما بعد از قطعیت حضورتان در فیلم و برای تحقیق و پژوهش بیشتر چه کردید؟

اتفاقاً تا قبل از این فیلم من خیلی شهید زرین را نمی‌شناختم و صرفاً در حد چند خبر و مطلب در تلویزیون چیزهایی از ایشان دیده بودم. البته می‌دانستم که داریوش یاری مستندی درباره این شهید ساخته بود، اما هنوز پخش نشده بود و آن را ندیده بودم. زمانی که



### چرا از یک لهجه بینابینی استفاده کردید؟

شهید زرین در گجساران به دنیا آمد و بعد از چند سال کوتاه زندگی در آنجا به اصفهان رفت. کسی که ۳۵ سال در اصفهان زندگی کند، ناخودآگاه لهجه آنجا را می‌گیرد؛ بنابراین من باید لهجه‌ای را برای شهید انتخاب می‌کردم که برای مردم آشنا و قابل استناد باشد. در این زمینه چه منبعی بهتر از پسر شهید زرین؟ نوع و اندازه لهجه شخصیتی که در فیلم می‌بینید، موردتایید ایشان است. ضمن این‌که نخواستیم لهجه شهید زرین را خیلی غلیظ بگیریم و صرفاً در حدی که آهنگ اصفهانی را رعایت کنیم، عمل کردیم.

**به طرز جالبی در آخرین قسمت سریال آقازاده هم نقش یک تک‌تیرانداز را بازی کردید. اینجا، اما کل فیلم نقش یک تک‌تیرانداز را به عهده دارید و تک‌تیراندازی، کار محوری شخصیتی است که بازی می‌کنید. چقدر در این زمینه تمرین کردید؟**

زیاد. البته امکان این‌که آدم بخواهد با اسلحه گریونوف تیراندازی کند که چندان نیست. اما سعی کردیم با سلاح‌های مشابه دوربین دار تمرین کنیم. وقتی اسلحه دست گرفتیم، روی نوع استایل و نوع قرار گرفتن شخصیت برای تیراندازی تمرکز و تمرین کردم. چون ما بیشتر لحظه تیراندازی را می‌دیدیم و لحظه اصابت گلوله که یک پلان دیگر بود. برای همین آن چیز که به درد من می‌خورد، نحوه دست گرفتن اسلحه و فاصله چشم با دوربین و اندازه لگدی که اسلحه می‌زند و نوع انگشت روی ماشه گذاشتن و... بود. درباره همه این‌ها با کارشناسان تحقیق و تمرین شد. فیلم‌های نمونه ایرانی و خارجی که صحنه‌های تیراندازی داشت را دیدم. حتی فیلم‌های شکارچیان مختلف را دیدم تا بتوانم نوع صحیح اسلحه دست گرفتن و تیراندازی را ببینم و یاد بگیرم.

**بعد از مدت‌ها فیلمی را در سینمای ایران می‌بینیم که یادآور اکشن‌های خاطره‌انگیز دهه ۶۰ است نظیر پایگاه جهنمی، پلاک و کانی‌مانگا. فیلم‌هایی که به قهرمان اهمیت می‌دهند و می‌توان در آن‌ها ضدقهرمان را به معنای کلاسیکش دید. فکر می‌کنید چقدر جای فیلم‌های این‌چنینی در سینمای ما خالی است؟**

پاسخ این سوال را زمانی می‌شود داد که ان‌شاء... کرونا ریشه‌کن و دوباره سینماها باز شود و اکران عمومی این فیلم و استقبال مردم را ببینیم تا متوجه شویم جای چنین فیلم‌هایی در سینما خالی است یا خیر؟ ولی پیش‌بینی من این است که به طور مثال وقتی سینما از فیلم‌های کم‌دی اشباع می‌شود، فیلم تلخی مثل متری شیش و نیم ناگاه با اقبال مردم روبه‌رو می‌شود. البته بحث من در اینجا اصلاً مقایسه فیلم‌ها نیست. اما خلاف جهت آب شنا کردن و جای خالی یک ژانر را روی صحنه پر کردن می‌تواند از عوامل توفیق یک فیلم باشد. ممکن بود اگر امسال ۱۰ فیلم جنگی و اکشن در جشنواره وجود داشت، شاید سخت بود پیش‌بینی این‌که این فیلم موفق می‌شود یا خیر. اما چون فیلم ما تنها فیلم جنگی امسال است و از همه مهم‌تر

قهرمان‌محور است، به هر حال تماشاچی عاشق سینما به قهرمان عشق می‌ورزد و تماشاچی تک‌تیرانداز ان‌شاء... راضی از سالن بیرون خواهد آمد.

### شما در بین فیلم‌هایی که من عرض کردم، احیانا فیلم محبوبی داشته‌اید؟

دهه ۶۰ که من ده یازده سالم بود. اما در بین فیلم‌های جنگی اگر از دوئل که خودم در آن بازی کردم بگذریم، فیلم‌های آقای حامی‌کیا مثل مهاجر و دیده‌بان را بسیار دوست داشتم. همچنین فیلم دیار عاشقان که بازی بسیار خوب پرویز پرستویی را در آن به خاطر دارم یا مثلاً فیلم عقاب‌ها که از فیلم‌های قهرمان‌محوری است که آدم از دیدنش کیف می‌کند.

**شما پیش از این هم نقش یک شهید را در فیلمی بازی کرده بودید: شهید مجید خدمت در اخراجی‌ها. فیلم اول با استقبال بسیار خوبی مواجه شد. فکر می‌کنید استقبال از این فیلم و این نقش چطور خواهد بود و آیا سیمرغ دوم شما بعد از دوئل با این فیلم به دست خواهد آمد؟**

شاید نشود این دو فیلم را مقایسه کرد، اما از نظر جنگی بودن هر دو فیلم، من فکر می‌کنم تجربه نشان داده مردم به سینمای جنگی علاقه دارند. ما سعی کردیم در لحظه لحظه‌ی این فیلم به شعور مخاطب احترام بگذاریم. در مورد سیمرغ هم که واقعا نمی‌شود نظری داد. همه‌ی آدم‌ها از تشویق و تقدیر خوش‌شان می‌آید و چه تشویقی بالاتر از این‌که شما در بالاترین جریان سینمایی کشور بخوایم تشویق شوی. یک بار این اتفاق برای من افتاده و هنوز شیرینی آن با من است. چه بهتر که دوباره هم این اتفاق برایم رقم بخورد، ولی موقعی می‌شود نظر داد که اولاً همه‌ی فیلم‌ها را ببینم و ثانیاً نظر من معیار باشد. اما سلیقه‌ی هفت‌عیزی که در هیات داوران هستند ملاک است و باید دید بازی‌های دیگر در فیلم‌های دیگر جشنواره چگونه بوده است، ولی همین‌که این فیلم جزو ۱۶ فیلم جشنواره بوده و دیده شده، به نظر من خیلی اتفاق خوبی است.



شهید رضا هوشیار

پدر و مادر عزیزم، ما چه کشته بشویم و چه بکشیم پیروز هستیم. شهادت چون میوه‌ای است که نمی‌توان آن را کال از درخت چید. شهادت آگاهی است که برای وصول به این آگاهی باید سرمایه‌گذاری عظیمی کرد. باید خدا و قرآن را شناخت و با پوست و گوشت خود آن را لمس کرد و یا به عبارت دیگر از مرحله ایمان و جهاد گذشت و تا مرز شهادت برسد. پدر و مادر مهربانم این وصیت‌نامه من پیش از شهادت است. قبل از اینکه سعادت نصیبم شود. من شروع کردم و امیدوارم به یک پیروزی کامل برای خدا و اسلام و قرآن جان بی ارزشم را به آفریننده خود تسلیم نمایم. امیدوارم که برای شما فرزندی نیکو و صالح بوده باشم و از شما می‌خواهم بعد از شهادتم هیچ‌گونه ناراحتی به خود راه ندهید و بگویید که رضا شهید شده و من امانتی بودم از طرف خداوند پیش شما و او گرفت زیرا به آرزوی خودم رسیدم.



شهید محمود جلالی مشایخی

خدای را سپاس می‌گویم که مرا در عصری آفرید که بتوانم در راه او با کفار بجنگم. چرا که سال‌ها انسان‌های مخلص و با ایمانی بودند که آرزوی جهاد و جنگیدن در راه خداوند را داشتند ولی افسوس که نتوانستند و این موقعیت برای آنها مهیا نگردید که به این نعمت عظمی برسند و بودند کسانی که آرزو داشتند به ندای «هل من ناصر ینصرنی» حسین لبیک گویند و در رکاب او بجنگند ولی افسوس که نتوانستند به این خواسته‌ی خویش جامع عمل بپوشانند و اینک ما هستیم و آماده لبیک گویی به حسین زمان.





### شهید ناصر واحدیان کوتناپی

و اینک که شما را به خاطر خدا و رسولش ترک می‌کنم و عازم جبهه جنگ بر علیه کفار می‌باشم بدانید که قلبم با شماست و همواره با شما خواهم بود و آنگاه که بوسیله گلوله‌های دشمن تکه پاره می‌شوم در آن موقع نیز با شما خواهم بود و در آن زمان فقط روح من است که با شادابی و خرمی با شما خواهد بود و من ان شاء الله چند صباحی دیگر به مهمانی امام حسین (ع) خواهم رفت و سلام شما را به رهبر انقلاب کربلا خواهم رساند. شما ای دریای بیکران مسلمانان از هیچ کس به جز خدا همراهی نداشته باشید اگر دنیا ما را محاصره اقتصادی کند فرزند رمضانیم و پیشوایمان علی (ع) و اگر ما را محاصره نظامی کند فرزند محرمیم و پیشوایمان حسین (ع). جنازه مرا به دست برادران بسیج و سپاه بدهید و مرا در منزل بیاورند مدت ۱۵ دقیقه باشم تا تمام دائی‌ها و خاله‌ها و خواهر زاده‌ها و پسر عمه‌ها مرا ببینند. بعد مرا به امامزاده اسماعیل پیش برادران شهیدم به محل آورید و بعد از نماز و دعای وحدت دفن کنید. از مردم و برادر و خواهران دائی‌ها و خاله‌ها و خواهر زاده‌ها و پسر عمه‌ها و دختر عمه‌ها و تمام دوستان می‌خواهم که کسی به شما تسلیت نگوید؛ تبریک بگویند چرا که آنچه آرزو داشتم برآورده شده است. برای من گریه نکنند، مبادا ضد انقلاب سوء استفاده کنند.



### شهید محمد مهدی ثامنی

شهید محمد مهدی ثامنی می‌نویسد: «لطف خدا شامل حالم گردید تا در این ماه با عظمت، ماه محرم، ماه شهادت در کنار دیگر رزمندگان اسلام علیه نیروهای شیطان و کفر جهانی جهاد نمایم. وصیتم را با سپاس بر خدای بزرگ، آن خدایی که همه‌ی هستی و توانایی و آگاهی ما از اوست آغاز می‌نمایم... سپاس خدایی که با الطاف بیکرانش پس از قرن‌ها و سال‌ها ظلمت و خفقان شب سیاه استبداد را محو و نابود ساخت و انقلاب اسلامی، این موهبت الهی، را بر ما ارزانی داشت سپاس بر خدایی که در پی آمدن این انقلاب عظیم، تمام موانع و توطئه‌ها را با قدرت لایزالش نابود نمود، گرچه تمام قدرت‌های شرق و غرب و صهیونیسم جنایتکار و عمال مزدور در منطقه به کمین نشستند تا به یکباره قامت برافراشته انقلابمان را در راستای حرکت انسان‌سازش نابود گرداند اما دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی بدانند که در میهن اسلامی ما جوانانی هستند مؤمن و سلحشور که با میثاق‌های الهی و با درکی عمیق از رهبری‌های مومنانه امام بزرگوارشان هر روز در تمام جبهه‌ها آگاهانه آماده اینارگری و معامله با خدای خود هستند تا در استمرار مبارزات توحیدی تشیع علیه همه تکاثرطلبان و طاغوتیان به جهاد مقدس بپردازند.»





### «اولین جشنواره تئاتر فجر در چه سالی برگزار شد!»

جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر از مهم‌ترین جشنواره‌های تئاتر در ایران است که هر سال در ماه بهمن توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار می‌شود و اما نخستین جشنواره تئاتر فجر از سال ۱۳۶۱ به دبیری «طاهاسب خدایی» در بخش‌های صحنه‌ای، خیابانی، بین‌المللی، نمایش‌های رادیویی، آغاز به کار کرد و سالن اصلی و چهارسو مجموعه تئاتر شهر، خانه نمایش، دانشکده هنرهای زیبا، تماشخانه سنگلج، فردوسی پذیرا شد. در اولین دوره این جشنواره ۳۶ نمایش در بخش مسابقه و ۲ نمایش در بخش تعزیه به صحنه رفت؛ ۱۳ نمایش از تهران، ۳ نمایش از زنجان، ۳ نمایش از شیراز، ۳ نمایش از مشهد، ۲ نمایش از دزفول و از شهرهای شاهرود، آبادان، اصفهان، مراغه، گرگان، کرمان، یزد، اردبیل، سیرجان، باختران، بوشهر، ساری، گنبد کاووس و تبریز هر کدام یک نمایش به صحنه رفت. طراحی پوستر این دوره از جشنواره بر عهده مرکز هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بوده است. آثار این دوره در بخش‌های نمایشنامه‌نویسی، کارگردانی، بازیگری مرد، بازیگری زن، بازیگری کودک و نوجوان، پرداختن به ویژگی‌های انقلاب، طرح و پرداختن به ویژگی حماسی جنگ و طرح و پرداختن به فرهنگ شهادت مورد داوری قرار گرفت. در این دوره جشنواره داوری بخش نمایشنامه‌نویسی، براساس نمایشنامه‌های اجرا شده بود.

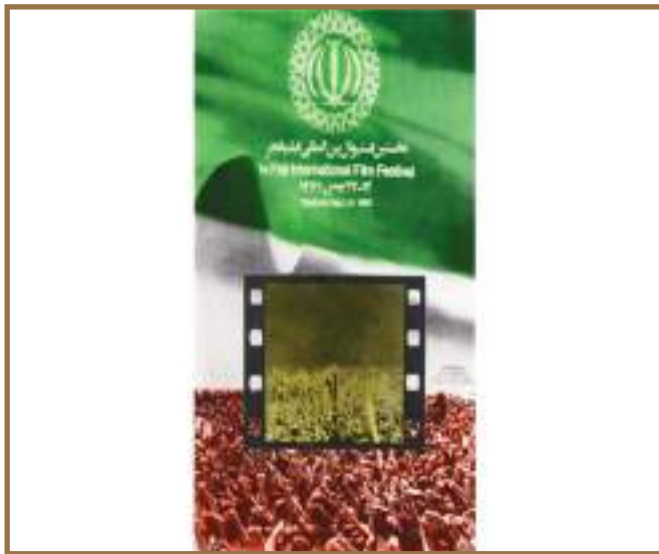
# مروری بر اولین‌های جشنواره‌های فجر

گردآوری: سارا صادقی

### «در نخستین جشنواره فیلم فجر بخش فیلم‌های حرفه‌ای جایزه نگرفت»

جشنواره فیلم فجر از رویداد‌های مهمی است که هر سال توسط بنیاد سینمایی فارابی و زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در میانه بهمن ماه برگزار می‌شود و اما نخستین جشنواره سال ۱۳۶۱، به دبیری حسین و خشوری کار خود را آغاز کرد که مقارن با حضور رزمندگان کشورمان در جبهه‌های جنگ بود. در آن دوران جشنواره در سه بخش مسابقه آماتور، بخش فیلم‌های حرفه‌ای و بخش جنبی برگزار شد که بخش جنبی آن شامل: چشم‌انداز سینمای کوبا، سینمای ایتالیا از نئورئالیسم تا امروز، سرخ پوستان و سیاه پوستان در سینما، سینمای کودکان و نوجوانان، سینمای ایران پس از انقلاب اسلامی بود. اما اولین جشنواره فیلم فجر در حالی در ۲۲ بهمن سال ۱۳۶۱ به کار خود پایان داد که هیچ فیلمی در بخش فیلم‌های حرفه‌ای جایزه‌ای دریافت نکرد.

ماه بهمن همیشه برای ما یادآور خاطرات تلخ و شیرین است، خاطراتی از جنس مبارزه، دلاوری و شجاعت، در کنار این یادآوری‌ها جشنواره‌ها هم نقش ارزنده‌ای در پررنگ کردن این ماه داشته‌اند جشنواره‌هایی چون تئاتر، فیلم، موسیقی و هنرهای تجسمی که با شروعشان شور و حال عجیبی بوجود آمد در این گزارش ما به پیشینه جشنواره‌ها و اولین‌ها پرداختیم که در ادامه می‌خوانید:

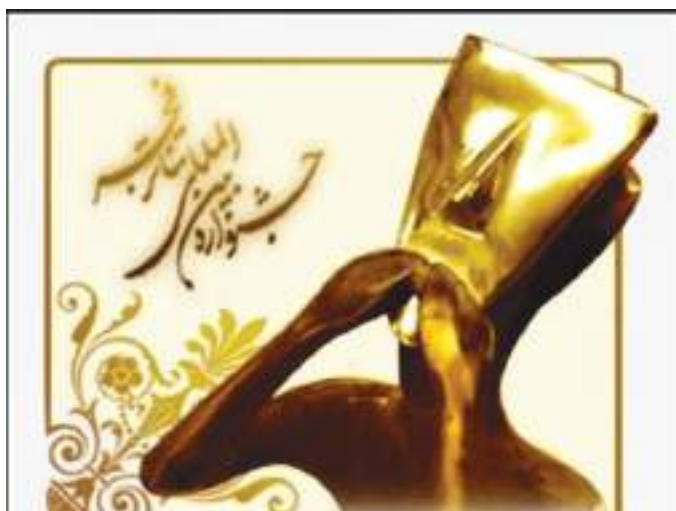


### «آهنگ‌های انقلابی آغازگر جشنواره موسیقی فجر»

جشنواره موسیقی فجر هم مثل تئاتر و فیلم از رویدادهای مهمی به شمار می‌رود که آغاز آن به سال ۱۳۶۴ برمی‌گردد که به مناسبت پیروزی انقلاب در سال ۵۷ هر سال در بهمن ماه برگزار می‌شود. این رویداد چهار سال پس از برگزاری «جشنواره سرود و آهنگ‌های انقلابی»، با عنوان «جشنواره موسیقی فجر» به فعالیت خود ادامه داد که با پایان هشت سال جنگ تحمیلی علیه ایران نیز همراه بود و آغازی دوباره برای این جشنواره بود. اما در دوره پنجم، جشنواره برای اولین بار دارای «لوگو» شد و نمادهایی پیدا کرد که از این رخداد مهم خبر می‌داد، سال ۱۳۷۰ جشنواره برای اولین بار به صورت بین‌المللی برگزار شد و علاوه بر گروه‌های داخلی در سبک‌های گوناگون، چند گروه خارجی نیز در جشنواره حاضر شدند در این سال گروه‌های موسیقی بانوان پس از حدود ۲۰ دهه سکوت توانستند در جشنواره موسیقی فجر به اجرای برنامه پردازند و بخش «ویژه‌ی بانوان» نیز کار خود را آغاز کرد.

### جشنواره هنرهای تجسمی با چه هدفی بوجود آمد!

جشنواره تجسمی فجر با حمایت و بودجه دولت در سال ۱۳۸۷ آغاز به کار کرد که بنیان‌گذار آن هم حبیب‌الله صادقی بود اما چون نسبت به موسیقی و فیلم جوان‌تر بود در آغاز برگزاری چندان مورد استقبال هنرمندان نبود و بعد از چند سال با تغییر سیاست‌های برگزاری و همکاری با گالری‌ها بیشتر مورد استقبال قرار گرفت و در بخش‌های نمایش آثار تجسمی و برگزاری همایش‌های علمی و نمایش فیلم‌هایی درباره هنرهای تجسمی برگزار می‌شد. نمایش آثار در این جشنواره شامل دوبخش بود. نمایش آثار شرکت‌کنندگان جشنواره (بخش رقابتی) و نمایش آثار مفاخر تجسمی ایران. همچنین در پایان این رویداد از پیشکسوتان هنر ایران تجلیل می‌شد و به شرکت‌کنندگان برگزیده هم جایزه تعلق می‌گرفت. جایزه این جشنواره تندیس طوبای زرین، هدیه نقدی و عضویت در انجمن هنرهای تجسمی ایران بود.





# تاثیر ورزش بر سلامت جسم و روان



## تعیین وقت برای ورزش :

سختترین کار در ورزش، برنامه ریزی برای آن است. در زندگی ما همیشه کار بر ورزش اولویت دارد ورزش فقط برای اوقات فراغت است. اما چه کسی در این زمانه اوقات فراغت و بیکاری دارد؟ پس با ورزش هم باید به عنوان یک کار مثل بقیه کارهای روزمره برخورد کرد و برای آن برنامه ریزی کرد. قدم اول این است که ۳۰ دقیقه از وقت تان را سه بار در هفته فقط به ورزش اختصاص دهید. در جلسات اول وقتی زمان مورد نظر فرار کنید، تمام کارهای خود را کنار بگذارید. حتی به تلفن جواب ندهید، ننویسید و فقط و فقط به ورزشی که دوست دارید انجام دهید، فکر کنید با این کار احساس بهتری نسبت به ورزش پیدا می کنید و به این نتیجه می رسید که این زمان فقط به ورزش کردن اختصاص دارد و نه به چیز دیگری. عبور از این مرحله به خود فرد بستگی دارد و حداقل یک هفته باید برای آن در نظر گرفته شود.

ورزش برای داشتن یک عمر طولانی و حفظ سلامتی واجب است . ورزش نه تنها بر طول عمر می افزاید ، بلکه باعث می شود کیفیت زندگی بهتر شود و احساس بهتری در طول دوران زندگی داشته باشیم . ۶۰ درصد از مردم اضافه وزن دارند . این امر حاکی از آن است که انجام حرکات ورزشی برای ما مشکل است . مطالعات نشان داده اند کسانی که به ورزش علاقه دارند ، خیلی راحت و بدون مشکل می توانند حرکات ورزشی را انجام دهند . بنابراین قدم اول برای ورزش کردن این است که چگونه آن را دوست بداریم .

## شروع ورزش

در مرحله ی بعدی، ورزشی را که دوست دارید شروع کنید. بعضی افراد ورزشهای گروهی را ترجیح می دهند و بعضی دیگر از ورزش های انفرادی لذت میبرند. عده ای هم هستند که ورزش کردن در خانه را می پسندند. شما میتوانید آنچه را دوست دارید انتخاب کنید. در این مرحله باید یک حداقل زمان را برای ورزش تعیین کنید. مثلاً شما باید خود را موظف کنید سه بار در هفته و هر بار نیم ساعت ورزش کنید. حتی اگر بیمار شدید، مسافرت رفتید یا به شدت گرفتار بودید، می توانید در این ساعات تعیین شده حرکات سبک کششی را انجام دهید یا قدم بزنید، اما این وقت را به کار دیگری اختصاص ندهید، به هر حال از حداقل زمانی که برای ورزش در هفته تعیین کرده اید، کمتر ورزش نکنید.

## هدف خود را عوض کنید

بیشتر ما ورزش میکنیم تا لاغر شویم یا میخواهیم بدن خود را عضلانی کنیم. متأسفانه این اهداف در دراز مدت حاصل می شوند و ممکن است شما را از ورزش کردن مایوس کنند. همیشه فکر کنید که ورزش را برای حفظ سلامتی و افزایش انرژی در انجام کارهای روزمره انجام میدهید. اینها اهدافی هستند که خیلی زود به آنها دست می یابید.

## به اثرات مفید ورزش دقت کنید

توجه داشته باشید که ورزش اثرات بسیار مفیدی در زندگی روزمره شما خواهد داشت. شما می توانید با استرس ها به راحتی مقابله کنید، مشکلات خود را راحت تر حل کنید، از خوردن غذا لذت بیشتری ببرید و تمایل بیشتری نسبت به غذاهای گوناگون پیدا می کنید. به این ترتیب کیفیت زندگی شما به مراتب بهتر می شود.

## افزایش شدت ورزش

بعد از مدتی که ورزش کردید، حتماً از یک مربی ورزشی کمک بگیرید تا حرکات بهتری به شما بیاموزد. یادآوری می کنیم که در تمام این مراحل مهمترین چیز این است که از حداقل میزان زمانی که برای ورزش خود در نظر گرفته اید، کمتر ورزش نکنید.

## از تغییرات ایجاد شده لذت ببرید

اگر مرتب ورزش کنید، تغییرات ایجاد شده در جریان شما برایتان لذت بخش خواهد بود. مثلاً وزن شما کاهش می یابد، عضلات شما شکل مناسبی به خود میگیرد و انعطاف پذیری تان زیاد می شود.



گفت و گو با جانباز «محسن کشتکار» برادر دو شهید:

# «جگر شیر نداری سفر عشق مکن»

شهادت راه مردان خداست آنهایی که گلچین روزگارند و خداوند مانند نگینی آنها را برگزیده است از جمله این گلچین ها خانواده کشتکارها است که دو فرزند خود را در راه آرمان های انقلاب از دست داده اند ومحسن و ابوالفضل هم فرزند دیگرشان است که هر دو از جانبازان افتخار آفرین کشورند با محسن درباره روزهای جنگ، خانواده و برادرانش گفتگویی داشتیم که در ادامه می خوانید:

|| سارا صادقی





### جناب کشتکار ضمن معرفی خود از خانواده تان بر ایمن بگوئید؟

محسن کشتکار جانباز ۲۵ درصد هستم، افتخار می‌کنم که دو برادرم حسین و محمد در جنگ شهید شدند و برادر دیگرم هم به نام ابوالفضل جانباز است. مادرم در ۳۶ سالگی در سال ۱۳۵۹ مرحوم شد و پدرم هم در سال ۱۳۶۰ به رحمت ایزدی رفت. پنج برادر دارم و فرزند دوم خانواده هستم. از این رو سرپرستی چهار برادر پس از فوت پدر بعهده من و برادر بزرگتر از من بود.

### محمد و حسین در محافل اجتماعی چگونه بودند کمی درباره خصوصیات آنها بگوئید؟

با توجه به سن کمشان از درک سیاسی خوبی برخوردار بودند و به مسائل روز آگاه بودند. آنها شجاع، عاشق امام، افتخار حضور در جبهه را داشتند و دین دار بودند به طوریکه نماز اول وقت را هیچ وقت فراموش نمی‌کردند و همیشه در مراسم سیاسی و اجتماعات حضور پر رنگ داشتند.

### به خاطر دارید چگونه شهید شدند؟

اولین برادر من حسین در تاریخ ۶۴/۱۱/۲۷ در عملیات والفجر ۸ و دقیقاً ۱۴ روز بعد از ازدواج به شهادت رسید. در آن زمان ۲۱ ساله بود. برادر دومم محمد ۱۶ سال بیشتر نداشت که متأسفانه در عملیات کربلای ۸ منطقه شلمچه به شهادت رسید. جالب اینجاست که پشت کمرش نوشته شده بود «جگر شیر نداری سفر عشق مکن» او مورد اصابت گلوله‌ی تانک قرار گرفت و سر، سینه و دست سمت راستش مجروح شد و بعد به مقام شهادت نائل شد.

### اطلاع دارید حسین و محمد در کدام عملیات ها حضور داشتند و چه سمتی داشتند؟

شهید حسین از سال ۱۳۶۱ در عملیات‌های مختلف و بصورت ثابت از کادر لشکر عملیاتی ۱۷ علی ابی طالب بود و به عنوان فرمانده گروهان ادوات و هدایت آتش مینی کاتیوشا لشکر فعال بود. محمد هم در عملیات‌های خیبر و ... به عنوان بی سیم چی فرمانده گردان سید الشهدا لشکر عملیاتی علی ابن ابی طالب حضور داشت.

### خوب کمی هم درباره برادر دیگرتان که اکنون جانباز است بر ایمن بگوئید؟

ابوالفضل هم برادر دیگرم است که در عملیات‌های مختلف حضور داشت و در عملیات کربلای ۴ مجروح شد و اکنون هم به عنوان جانباز در اجتماع حضور دارد.





## سرگذشت مرموز قصر



زندان «قصر» که از زندان های معروف واقع در قلب تهران بود چند سال است که به موزه تبدیل شده است. باغ موزه قصر که سابقا زندان قصر نامیده می شد، اولین زندان متمرکز تهران بود. این زندان هم اینک تعطیل شده و تحت عنوان باغ موزه قصر بعنوان یکی از مراکز فرهنگی، تاریخی و هنری کشور مورد بازدید عموم است.

باغ موزه قصر، در ابتدا قصری بود که به دستور فتحعلی شاه قاجار در سال ۱۱۷۷ بنا شد و یکصد و ۳۰ سال بعد از آن، اولین زندان ایران بر روی پایه های قصر قاجار که در اثر سیل مهیبی از بین رفته بود، پا گرفت و در سال ۱۳۰۸ زندان قصر نام گرفت در زمان ریاست سوئدی ها بر شهربانی (نظمیه) تهران، زندان نظمیه در محل اداره شهربانی (بخشی از وزارت امور خارجه فعلی) در میدان توپخانه واقع بود. این زندان مرکب از دو یا سه اتاقک کوچک معروف به حبس نمره یک و چند اتاق و یک زیرزمین برای زندانیان عمومی بود.

به جرات می توان باغ موزه قصر را به عنوان خلاقانه ترین و جذاب ترین موزه کشور شناخت، چرا که تبدیل کردن فضایی که روزی زندانی مخوف بوده است به یک فضای فرهنگی کاری بس دشوار است. اما طراحان این پروژه به خوبی از پس این کار برآمدند و حالا باغ موزه قصر تبدیل به مکانی برای برگزاری نمایشگاه های داخلی و بین المللی شده است و دیوار هایی که زمانی فقط خشم و نفرت را تجربه می کردند، حالا پذیرای نگاه تحسین آمیز مردمی هستند که در آن فضا وقت می گذرانند.



در دوره رضا شاه پهلوی، سر تیپ درگاهی، رئیس نظمیه تقاضای یک محل وسیع برای ایجاد زندان تهران را نمود. محلی که برای اینکار در نظر گرفته شد قصر قاجار (حدفاصل سه راه زندان، پل سیدخندان، خیابان شریعتی و پلیس فعلی) بود که دارای ساختمانهای قدیمی و وسیع و متروکه بود. زندان قصر در تاریخ ۱۱ آذرماه ۱۳۰۸ به دست رضا شاه افتتاح شد.



این قصر به تدریج از دوره ناصرالدین شاه باکم توجهی از رونق اولیه افتاد. ناصرالدین شاه امر کرد که فوج قزاق اردوی سالیانه خود را در این محوطه برپا سازد که این شروع کاربری نظامی این منطقه بود. در دوره مظفرالدین شاه باغ قصر فجر به دست اداره ژاندارمری افتاد. باغ به تدریج کاربری خود را از دست داد و قصر نیز متروکه و به ویرانه تبدیل شد.



فتحعلیشاه قاجار در سال ۱۱۷۷ ه.ش در سال دوم سلطنت خود فرمان داد تا بیرون از تهران قصری برایش بسازند. محل قصر در جایی انتخاب شد که در آن زمان به اراضی خرم آباد معروف بود. آن محل در آن هنگام دره ماهور بود. لذا ناگزیر شدند بعضی از قسمت ها را بتراشند و قسمت های دیگر را بپرکنند. آن گاه در آن جای یک عمارت بزرگ شامل بیرونی، اندرونی، کلاه فرنگی و استخر بنا کردند.





اولین زندانی زندان قصر، سازنده آن یعنی سر تیپ در گاهی بود. او تنها دوروز پس از همراهی رضا شاه در مراسم افتتاح زندان، در همان زندان محبوس گردید. قوام السلطنه، صارم الدوله، صولت الدوله، عبدالحسین تیمور تاش، بزرگ علوی و علیمردان خان بختیاری و پنجاه و سه نفر و محمد فرخی یزدی و همچنین دکتر تقی اراتی برخی از زندانیان معروف این زندان هستند.



نهایتاً در سال ۱۳۹۱ بوسیله شهرداری تهران بر اساس طرح معماری و ایده مفهومی شاخه تجربی معماری کلانشهر به باغ موزه تبدیل گردید و در تاریخ ۱۴ آبان ماه ۱۳۹۱ با حضور شهردار تهران و جمعی از هنرمندان برای بازدید عموم رسماً افتتاح گردید.



در سال ۱۳۸۳ این زندان تعطیل و شهرداری شروع به تخریب بخش‌هایی از زندان نمود که با پیگیری کانون زندانیان سیاسی قبل از انقلاب با ثبت زندان به عنوان آثار ملی در سازمان میراث فرهنگی از تخریب آن جلوگیری شد. البته در این میان تا قبل از ثبت محل، بخش زندان زنان سیاسی تخریب شد.





### وارث عاشورا «زینب س»

ای سبزترین واژه عاشورایی  
معنای بلند آیه شیدایی

اندوه تو را فرشته‌ها می‌دانند  
بر داغ دلت تا به ابد می‌بارند

ای زخمی عشق سایه سارت بردند  
ای کوه صبور مقتدایت بردند

هرچند ز داغ دلبرت پیر شدی  
بر گودی قتلگه زمینگیر شدی

هرچند ز تازیانه لبریزی تو  
بر گردن شاه، گردن آویزی تو

تو دختر شاه لافتایی، زینب  
تو وارث خون شهدایی زینب

برخیز و بخوان حماسه حیدر را  
با نام حسین پر کن این ساغر را

ای ماحصل تمام هفتاد و دو تن  
آماده شو باید بروی سمت وطن

زین پس تویی آن علم به دوش بیدار  
ای کوه شکسته خیز علم را بردار

### کوه صبر

ای سر غرق به خون از ره دور آمده‌ای  
همره قافله از وادی نور آمده‌ای

از ازل بت‌شکنی شیوه چشمان تو بود  
تو خلیلی و به جنگ زر و زور آمده‌ای

آتش خیمه مهیاست خدا می‌خواند  
ای کلیم الله من، وادی طور آمده‌ای

باز عیسی به صلیب ستمت می‌بندند  
خاک برزلف، ولی پرزغور آمده‌ای

روی نی از لب پر خون تو قرآن می‌ریخت  
نغمه‌خوانی و به شهر کروکور آمده‌ای

تشنه‌ام، تشنه دیدار تو یا ثارالله  
پرپریم دیده‌ای و بهر ظهور آمده‌ای

طالب فیض حضورم چه دهم شرح فراق  
آه ای خسته چه با شور و نشور آمده‌ای

چشم حق‌بین تو را پرده خاکستر بست  
بهر دیدار من از کنج تنور آمده‌ای

سوختم ز آنچه تو راندی به لب سوخته‌ات  
نهر خون دیده‌ای و کوه صبور آمده‌ای

خاک بودم تو را کوه صبورم کردی  
لحظه‌ای بی تو نبودم به حضور آمده‌ای



## بازخوانی دو غزل از شاعران دفاع مقدس نسل دیروز و امروز



ای تیغ! سرسنگین مشو با ما سبکسرها  
دست از دل ما برمدارید آی خنجرها!  
رودیم و آشهد گفتن ما بر لب دریاست  
ننگ است ما را مرگ در مرداب بسترها  
پیشانی ما خط به خط، خط مقدم بود  
ما را سری دادند سرگردان سنگرها  
آهسته در گوشم کسی گفت: اسم شب «صبح» است!  
ناگاه روشن شد دو عالم از منورها  
مشت اسیران زمین را باز خواهد کرد  
سنگی که می‌افتد به دنبال کبوترها  
خواب غریبی دیده‌ام، خواب ستاره ماه  
خوابی برآیم دیده‌اید آیا برادرها؟!  
«محمد مهدی سیار».

از خون خون گذشتند صبح ظفر سواران  
پیغام فتح دارند آن سوی جبهه یاران  
در شط سرخ آتش، نعش ستاره می‌سوخند  
خون نامه نبرد است آیین پاسداران  
در کربلای ایثار، مردانه در ستیزند  
رزم آوران اسلام با خیل نابکاران  
در شام سرد سنگر روشن چراغ خون است  
ای آب دیده تر کن لب های روزه داران  
در رزمگاه ایمان با اسب خون بتازند  
تا وادی شهادت این قوم سربداران  
گلگونه شهیدان با خون گل بشوید  
تا سرخ تر نماید رخسار روزگاران  
هابیلیان کجایید، قایم دیگر آمد  
ننگ است جان سپردن در دخمه تاران  
در بادهای سوزان، نیلوفران خاکی  
چشم انتظار آب اند، ای روح سبز باران  
ای ابر پر صلابت! آبی ز دیده بفشان  
با مرگ لاله طی شد افسانه بهاران  
بی‌باوران عالم با چشم دل ببینید  
آینه زمان است این پیر در جماران  
«نصرالله مردانی»



# قهرمانان سال ۵۷ چه کسانی بودند!!

قهرمانان ۵۷



سارا صادقی

## «شهادت‌های تهران در جریان انقلاب ۵۷»

شهید قاسم هفتانی، در سال ۱۳۳۹ در تهران چشم به جهان گشود و تحصیلاتش را تا مقطع ششم ابتدایی گذراند و برای امرار معاش به شغل کفاشی پرداخت، در روز دوم بهمن سال ۵۷ در تظاهرات خیابان لاله زار تهران با گلوله ماموران حکومت پهلوی به شهادت رسید.

هدایت الله طاهری، دیگر شهیدی بود که دوشادوش همافران نیروی هوایی در روز ۲۲ بهمن ماه با شلیک گلوله به شهادت رسید. شهید هدایت الله طاهری فرزند عباس، در سال ۱۳۳۸ در خانواده‌ای متوسط و مسلمان در شهر فسا پا به عرصه‌ی وجود نهاد. او از هفت سالگی تن به کار سپرد. او در فصل تابستان در مغازه‌های نزدیک منزل به شاگردی می‌پرداخت و دستمزد این ایام را جمع می‌کرد تا در زمان مدرسه خانواده اش مجبور به تحمل مخارج تحصیل او نباشند. او همیشه خوش برخورد و خندان بود. مخصوصاً در محیط کار همه‌ی همکاران از استاد کار تا بقیه‌ی شاگردان شیفته‌ی اخلاق و رفتار وی شده بودند. پس از پایان کار نیز روانه‌ی مسجد می‌شد تا با صوت خوشش اقامه‌ی نماز را به اطلاع مؤمنان برساند.

هدایت الله در ایام درس و تحصیل فکر و ذکری جز آموختن نداشت و در بین دانش‌آموزان مدرسه نمونه و اسوه بود و با تلاش و کوشش فراوان توانست در خرداد ماه سال ۱۳۵۷ با نمرات عالی مدرک دیپلم را بگیرد. پس از آن در آزمون ورودی رشته فنی نیروی هوایی (همافری) شرکت کرد و در آن امتحان نیز قبول شد. همان سال برای شرکت در دوره‌ی مورد نظر عازم تهران گردید. در همین ایام نیز دریای طوفانی مردم

در جریان انقلاب سال ۵۷ آنقدر اتفاقات مختلفی رخداد که بیان جزئیات آن نیازمند نوشتن یک کتاب قطور است، در آن زمان انقلابیون سراسر کشور که اکثر آنها جوانان بودند با شجاعت و صف ناپذیری مقابل نیروهای رژیم شاهنشاهی ایستادند به طوری که هیچ‌یک از عناصر نظام یارای مقابله با آنها را نداشت و در نهایت در ۲۲ بهمن با ریختن خون‌های بسیار و پریپر شدن جوانانمان، انقلاب اسلامی به پیروزی رسید. طبق آمارهای آورده شده تنها در ۳۸ بیمارستان تهران تعداد ۶۵۴ نفر به شهادت رسیدند و تعداد ۲۷۰۳ نفر مجروح و بستری شدند. در این گزارش نگاهی داریم به زندگی شهادت‌های سال ۵۷ که با جان فشانی نامشان ماندگار شد



شهید رسول خلیل آبادی، سال ۱۳۳۵ در خلیل آباد دیده به جهان گشود. سه ماهه بود که پدرش را و یکسال و نیم بود که مادرش را از دست داد. آنموقع سرپرستی وی با پدر بزرگ و مادر بزرگش بود. شهید از سن ۷ سالگی تحصیلاتش را ادامه داد و راهی دانشگاه شد. همان روزها بود که انقلاب اسلامی آغاز و شهید پا بپای دیگران فعالیت خود را علیه رژیم منفور پهلوی ادامه داد و سپس در تاریخ ۵۷/۱۱/۲۲ بشرف شهادت نائل آمد.

### «شهادت شهرستان در جریان انقلاب سال ۵۷»

شهید قربانعلی داودی، تنها شهید ۱۲ بهمن سال ۵۷ بود، او متولد ۱۳۰۸ شهر فارسان بود که در تاریخ ۱۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ در سن ۴۹ سالگی توسط سرسپردگان رژیم پهلوی به شهادت رسید. داودی در فعالیت های سیاسی علیه رژیم پهلوی حضوری فعال داشت و بازاریان شهر فارسان را علیه رژیم منحوس پهلوی دعوت به مبارزه می کرد این شهید بزرگوار با شروع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ مبارزات شدیدتری را علیه رژیم طاغوت آغاز و به علت همین فعالیت ها و نصب تصویر حضرت امام خمینی (ره) بر درب مغازه خود چماقداران و ضد انقلابیون چندین مرتبه به مغازه وی حمله و شیشه های مغازه وی را می شکندند، اما او از آرمان انقلابی و اسلامی خود دست بردار نبود. در عاشورای سال ۵۷ عناصر ضد انقلابی با حمله به مغازه شهید داودی، وی را زخمی می کنند و در روز ۱۲ بهمن ماه سال ۵۷ مصادف با ورود حضرت امام خمینی (ره) به ایران در راهپیمایی که به همین مناسبت تدارک دیده شده بود به عنوان یکی از عوامل اصلی راهپیمایی شرکت می کند که در مسیر حرکت از مسجد جامع فارسان به سمت سه راهی باباحیدر حین راهپیمایی، چماقداران رژیم شاهنشاهی و ضد انقلابیون به تظاهر کنندگان حمله ور شدند که در این میان عده ای زخمی و عده ای هم پا به فرار گذاشتند. شهید قربانعلی داودی بر اثر ضرباتی که سرسپردگان رژیم طاغوت بر سرش وارد کردند، دچار آسیب مغزی شد و بعد از انتقال به بیمارستان آیت الله کاشانی اصفهان دعوت



پایه های تخت پوسیده ی سلطنت را به لرزه انداخته بود. او که خود زخم خورده ی ظلم و ستم حکومت شاه بود، انقلاب و رهبر عالی قدر آن را مرهمی برای زخم های خود دانست با این که نظامی بود و در آن ایام مقررات سختی بر آنها حاکم بود به هر صورت خود را به صفوف تظاهرات می رساند و خشم خود را با فریاد سرخ، نسبت به حکومت ابراز می کرد. با تشریف فرمایی حضرت امام (ره) به میهن، خون تازه ای در رگ های مردم انقلابی جریان یافت. روز ۲۲ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ دژهای رژیم طاغوت یکی پس از دیگری به دست موج خروشان مردم سقوط کرد. در این روز همافران غیور نیروی هوایی نقش عمده ای ایفا کردند و هدایت الله نیز فرصت را غنیمت شمرد و دوشادوش دیگر همافران به یاری انقلابیون شتافت. لشکر گارد هنگامی که از این ماجرا با خبر شد فوراً پایگاه همافران را محاصره کرد و با انواع اسلحه ی سبک و سنگین آنها را به خاک و خون کشید. در این حمله هدایت الله بر اثر اصابت تیری به سرش به سوی عرش الهی پرواز نمود. رژیم پس از به شهادت رساندن همافران غیور، تمام مدارک شناسایی آنان را نابود کرد تا به صورت ناشناس به خاک سپرده شوند اما امواج سهمگین انقلاب اجازه ی اهانت بیشتر به پیکرهای این عزیزان را نداد. آنان پس از شناسایی به وسیله ی همزمان خود در بهشت زهرای تهران آرامش یافتند.



ایوب معادی، در اردبیل بدنیا آمد. در سال ۵۳ به دانشگاه بابل سر که امروز به یاد او نامگذاری شده در رشته اقتصاد مشغول تحصیل گردید. او در دانشگاه، اسوه اخلاق و تقوی بود و رهبری اکثر دانشجویان را علیه رژیم جلال پهلوی بر عهده داشت. وی در ماه رمضان ۵۶ یکبار در مسجد قبا تهران توسط ساواک دستگیر و تحت شکنجه قرار گرفت. بعد از آزادی باز هم به مبارزات خود ادامه داد تا در تظاهرات دانشجویان بابل سر که رهبری آنرا بر عهده داشت دستگیر و زیر ضربات باتون و لگد و خونریزی، جان به جان آفرین تسلیم و به شهادت رسید.

مطلب راستگو، سال ۱۳۲۷ در یک خانواده مذهبی پا به عرصه دنیا نهاد. تنها پسر خانواده بود و در تهران کار می کرد تا زندگی خانواده اش را تامین کند. شهید مرتبا در تظاهرات و راهپیمائیهها شرکت می کرد و بالاخره روز ۱۸ دیماه ۵۷ از ناحیه سینه و شکم مورد اصابت گلوله ظلم پیشگان قرار گرفت و به درجه شهادت نائل آمد.

احمد سامع ملکی، در سال ۱۳۴۶ در یک خانواده متدین در اردبیل بدنیا آمد. همان اوان کودکی در بجا آوردن فرایض دینی کوشا بود، با اوج گرفتن انقلاب اسلامی ایران به همراه سایر برادران مبارز و متعهد در اغلب فعالیت های انقلابی و محافل مذهبی شرکت می نمود و سرانجام در تاریخ ۵۷/۱۰/۹ در حالی که طنین الله اکبرش به گوش می رسید هدف گلوله دژخیمان پهلوی قرار گرفت و به شهادت رسید.

نورالدین جهانجوئی، به سال ۱۳۳۵ در یک خانواده کارگری در قریه شیخ احمد از توابع اردبیل بدنیا آمد. پس از اخذ دیپلم برای ادامه تحصیل وارد دانشسرای تربیت

معلم شد، بیشتر اوقات خود را به مطالعه کتب مذهبی می پرداخت. در آغاز شکوفائی انقلاب اسلامی، پیامها و سخنرانیهای امام امت را تکثیر و پخش و در تظاهرات شرکت می کرد. شهید در نهم دیماه ۵۷ در تظاهرات خونین میدان قیام اردبیل مورد هدف گلوله مزدوران شاهی قرار گرفت و به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

کریم احمدی، به سال ۱۳۲۴ در یک خانواده مذهبی بدنیا آمد، آغاز انقلاب اسلامی ایران در پخش اعلامیه های صادره از طرف امام امت و روحانیت مبارز فعالیت و اینکار را یک تکلیف شرعی وجدانی می دانست، او همواره آرزوی آمدن امام به ایران را داشت. شهید در تاریخ ۵۷/۱۰/۹ عده ای از جوانان شرکت کننده در تظاهرات را که مورد تعقیب مزدوران شاهی بودند مخفی کرد گلوله خصم و کینه مزدوران شاه او را در اردبیل بشهادت می رساند و گلی دیگر به گلستان انقلاب اسلامی اضافه می شود.

شهید محمد راستگو، سال ۱۳۲۶ در روستای نیارق، در یک خانواده مذهبی دیده به جهان گشود. از همان کودکی فرائض دینی را بجای می آورد، همواره می گفت: اگر بخواهیم اسم خودمان را مسلمان بگذاریم نباید در خانه های خود بنشینیم، باید به



محمدحسین محمودیان ۲۱ ساله که از چند ماه پیش همکاری خود را با روزنامه اطلاعات آغاز کرده بود روز چهارشنبه ششم دی ماه در حالیکه همراه دو پسر عمویش دوربین عکاسی خود را در دست گرفته بود و قصد داشت از جریان وقایع و تظاهرات آن روز قزوین برای روزنامه اطلاعات عکس بگیرد، مورد اصابت گلوله قرار گرفت. دو پسر عموی او نیز هدف گلوله مأموران فرمانداری نظامی قرار گرفتند و شهید شدند. در این روز غم بار، پنج تن از جوانان قزوینی به نام‌های «عباس بالو»، «ناصر کاکوند»، ابوالفضل و احمد محمودیان (دو برادر) و محمدحسین محمودیان پسر عموی ابوالفضل و احمد به شهادت رسیدند. شهید محمدحسین محمودیان شهید خبرنگار قزوین است. وی که خبرنگار روزنامه اطلاعات بود، در هنگام عکاسی از تظاهرات مردمی این شهر در روز ششم دی ماه در خیابان طالقانی قزوین بر اثر اصابت گلوله به شهادت رسید.

میدان مبارزه راه پیدا کنیم وبه همین خاطر در روستای نیارق، اقدام به راهپیمائی نموده ودر تظاهرات مورد اصابت گلوله مزدوران شاهی قرار گرفت وبه شهادت رسید.

بانو شهید نازیلا سید رحیمی، سال ۱۳۴۴ در یک خانواده مذهبی بدنیا آمد. تا کلاس اول راهنمائی به تحصیلات خود ادامه داد. در تاریخ ۵۷/۱۰/۱۸ به هنگام تظاهرات از ناحیه پیشانی اصابت گلوله قرار گرفت و بدرجه رفیع شهادت نائل آمد.

شهید علیرضا مهدی زاده حکاک اولین شهید انقلاب مشهد در سال ۱۳۵۷ است. علیرضا مهدی زاده در شهر مشهد به دنیا آمد و تحصیلاتش در رشته مهندسی راه و ساختمان را در کشور آمریکا به پایان رساند. مهندس مهدی زاده، جوانی مسلمان و علاقمند به مطالعه کتب اسلامی بود که جلسات هفتگی قرآن را در مشهد دائر کرده بود. همچنین همزمان با تحصیل در آمریکا دو نمایشنامه اجرا کرد که مورد استقبال انجمن های اسلامی قرار گرفت. شهید مهدی زاده در روز ۹ شهریور در یکی از راهپیمایی های مردم مشهد علیه حکومت پهلوی شرکت کرد. وقتی تظاهرکنندگان به میدان طبرسی رسیدند وی به دخالت پلیس، که به مردم دستور متفرق شدن می داد، و به تیراندازی افسری که به سوی مردم و هم رزمش رضا حسن زاده فرمان شلیک داده بود، اعتراض کرد که مورد اصابت گلوله قرار گرفت و از طرف سینه به شدت مجروح شد و عصر ۹ شهریور ۱۳۵۷ در سن ۲۹ سالگی به شهادت رسید و در بهشت رضا قطعه شهدا به خاک سپرده شد.



# «سردار دلها» انتخاب شد

ظاهراً از بین ۶۰۰ تا ۱۲۰۰ نفر که در کل بخش‌ها شرکت کرده بوده اند که از هر بخش ۱۰ نفر انتخاب شدند.

ارزیابی شما از برگزاری اینگونه مراسم‌ها چیست؟

خیلی خوب است که حس فرهنگ ایثار و شهادت در بین افراد بنیاد شهید تقویت شود.

آیا شما اثر دیگر هم دارید که در جشنواره‌های بعدی هم شرکت دهید؟

بله با توجه به موضوع جشنواره می‌توانم اثر مناسبم را برای جشنواره‌های بعدی انتخاب کنم.

## سردار دلها!

نیست کسی شبیه تو باز به سر زمین من  
قاسمِ قلب من تویی، عقیق من، نگین من  
نور تویی، سور تویی، دولت منصور تویی  
وصف تو را شنیده‌ام، مه رخ مه جبین من  
بر در سرسرای جان، خالق ناز پرورم  
نکته به نکته گفته آن، راز به نازنین من  
مست شدم ز ساغرش، ز هر طرف شدم روان  
نیست مرا نشان از او، یسار من یمین من  
تیر ز هر طرف زند، بر دل من نگاه او  
کمان ابروان او، همیشه در کمین من  
صدای دلفریب او، شکسته قفل سینه را  
طنین صوت او شده، نوای دلنشین من  
گذشت عمر من کنون، نمانده فرصتی دگر  
گمان کنم وصال او، بُود به اربعین من!

جواد حیدریان فارغ‌التحصیل دکترای مدیریت آموزشی و لیسانس بیهوشی، ۲۹ سال است که سابقه کار در معاونت اداره کل بهداشت و درمان بنیاد شهید اسلامی را دارد از دیگر سوابق او می‌توان به سابقه فعالیت در زمینه شعر (غزل و رباعی) از سال ۷۳ اشاره کرد وی اکنون معاونت بهداشت و درمان بنیاد شهید و امور ایثارگران ستاد را برعهده دارد و به بهانه انتخاب ایشان در مسابقه فرهنگی خادمان مکتب حاج قاسم با او به گفتگو نشستیم که می‌خوانید:

– آقای حیدریان شما در این مراسم در کدام بخش برنده شده اید؟

در بخش شعر

– چرا شعر شما در این بخش انتخاب شده؟

فکر می‌کنم به دلیل این که شعر مرتبط بوده و نظر داورها هم درباره‌ی آن مثبت می‌باشد.

بعضی شعرها باید منطبق با آن مقطع زمانی باشند و من سعی کردم طوری تنظیم کنم که مطابق با آن مقطع زمانی که سال روز شهادت شهید سلیمانی بوده باشد.

شما چند اثر برای جشنواره ارسال کرده بودید؟

دو اثر فرستادم که شامل یک غزل و رباعی بود.

– از بین چند اثر کار شما انتخاب شده؟

در نیمه‌های یکی از شبها در اتاق عملیات در

غرب ضاحیه احساس خطر برای حیات سید

کردیم و با سختی و مشقت من به همراه عماد

به مکان بازگشتیم.

# حاج قاسم سلیمانی تشبیه به حضرت ابوالفضل (ع)

شرکت کنند بهتر است.

**آیا شما اثر دیگری هم دارید که در جشنواره های دیگر هم شرکت کنید؟**

بله آثار دیگر هم دارم که به دلیل مناسبت های مختلف نقاشی کردم. ولی ترجیح می دهم متناسب با جشنواره و موضوع آن نقاشی بکشم

زهرا باقری از برگزیدگان مسابقه مکتب حاج قاسم دارای فوق لیسانس نقاشی دانشگاه هنر معماری است که سابقه ۲۵ سال نقاشی را دارد او در مسابقات نقاشی نفر اول شد و همچنین وی تاکنون نمایشگاه نقاشی از آثارش را در سوریه و لبنان برپا کرده است. باقری یکی از برگزیدگان مسابقه مکتب حاج قاسم شد که به این بهانه با او به گفتگو نشستیم که می خوانید:

**از مکتب حاج قاسم در کدام بخش برگزیده شدید؟**

در بخش نقاشی برگزیده این کار شدم که نفر اول بود.

**به نظر شما چرا اثر شما انتخاب شد؟**

فکر می کنم به دلیل این که نقاشی های بقیه زیاد قوی نبود و همچنین این دلیل که من حاج قاسم رو به حضرت ابوالفضل تشبیه کرده بودم. شما چند اثر برای جشنواره ارسال کرده بودید؟ یک اثر ارسال کرده بودم.

**ارزیابی شما از برگزاری اینگونه مراسم ها چیست؟**

برگزاری اینگونه مراسم ها بخصوص ارزش نهادن به توانایی های افراد بسیار خوب هست ولی اگر تبلیغات بیشتری صورت گیرد که افرادی دیگر که توانایی خلق آثار خوب را دارند هم بتوانند در این مسابقات





## داستان دیدار شهید سلیمانی با شهید مغنیه



داستانی که فرمانده شهید، حاج قاسم سلیمانی در مورد دیدارش با شهید حاج عماد مغنیه در روزهای اول جنگ ۳۳ روزه لبنان روایت کرد، چه بود؟ قصه ای که فرمانده شهید، حاج قاسم سلیمانی در مورد دیدارش با شهید حاج عماد مغنیه در روزهای اول جنگ ۳۳ روزه لبنان روایت کرد، چه بود؟ و چگونه بعضی از مراحل را که دو شهید در یکی از روزهای جنگ همراه با سیدحسن نصرالله، دبیر کل حزب الله لبنان گذراندند توصیف کرد؟ در سالگرد شهادت حاج عماد مغنیه این داستان مصور توسط موسسه لبنانی رسالات با همکاری هنرمند ایرانی، دانیال فرخ منتشر شد. این آثار در قسمت جنگ ۳۳ روزه در نمایشگاه قاسم در لبنان (به مناسبت سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی) در معرض نمایش عموم قرار گرفته است. تصاویر به همراه ترجمه فارسی داستان آن در ادامه می‌آید.



در نیمه‌های یکی از شبها در اتاق عملیات در غرب ضاحیه احساس خطر برای حیات سید کردیم و با سختی و مشقت من به همراه عماد به مکان بازگشتیم



کلیه راه‌ها مورد هجوم بمبارانها قرار گرفته بود. عماد آمد و در روز اول من را از سوریه به لبنان برد. قسمتی از راه را پیاده رفتیم و قسمت دیگر را با ماشین.



خارج شدیم و عماد گفت: «زیر این درخت منتظر بمانید.» نشستیم و داستان مسلم را برای خودم و سید یادآوری کردم



وارد ساختمان دیگری شدیم و منتظر ماندیم برای اینکه آنجا خط امنی برای تماس وجود داشت. بمباران‌های نزدیکی در کنار ما رخ داد. پل مجاور ساختمان نیز بر اثر اصابت موشک تخریب شد. احساس کردیم که این موشکها به ساختمان ما هم خواهد رسید



مدتی طول کشید تا بتوانیم از مکانی به مکانی امن در زیر زمین برویم. سپس به اتاق عملیات در ساعت ۲ بعد از نیمه شب بازگشتیم.



عماد رفت و به سرعت با ماشین بازگشت. هواپیماهای جاسوسی بالای سر ما بودند.



# گلچینی از خواندنی ترین کتابهای سال ۵۷

قصه هم قرار می‌گیرد، در این کتاب ۲۴۰ صفحه‌ای که تدوین آن توسط روح‌الله رشیدی، صورت گرفته است، از نحوه اجرای قطعات و سروده‌هایی همچون «دیو چو بیرون رود»، «جنگ جنگ تا پیروزی»، «امریکا ننگ به نیرنگ تو» و... سخن می‌گوید.

بانگ آزادی، هیچ ایرانی نیست که اثری از آثار احمدعلی راغب را نشنیده باشد. نسل دهه شصتی‌ها با آواها و نواهای او بزرگ شده است. از سرود «مدرسه‌ها وا شده»، «بابا خون داد» و «هم‌شاگردی سلام» تا قطعات ارکسترال «بانگ آزادی» و «شهید مطهر» و «امریکا ننگ به نیرنگ تو» بگیرد تا تصنیف «خجسته باد این پیروزی» و «ظفر مبارک» و بعدها تا اولین آلبوم موسیقی پاپ بعد از جنگ مثل «رقص گل‌ها» و قطعاتی مثل «گل می‌روید به باغ» و «بیا به امداد ناتوانان» و... می‌توان گفت راغب، یکی از اصلی‌ترین آدم‌هایی است که چیزی به نام «سرود و موسیقی انقلاب» را در سال‌های پس از انقلاب بر سر زبان‌ها انداخت. کتاب «بانگ آزادی» روایت زندگی و فعالیت‌های احمدعلی راغب است که در ۳۹۲ صفحه به قلم محسن صفایی‌فرد روایت شده است.

پایان مجسمه، از «موسی کیخا» است او متولد ۱۳۲۸ شمسی، نویسنده و روزنامه‌نگار اهل کاشان بود که پیش از انقلاب، گزارش‌گر مبارزات انقلابی مردم منطقه کاشان و آران و بیدگل علیه رژیم ستم‌شاهی بوده و روزنوشت‌های او از اتفاقات سال‌های پایانی عمر رژیم سابق در کاشان، به کوشش هادی لطفی در کتاب «پایان مجسمه» گردآوری و تدوین شده است.

کتاب خاطرات احمد احمد، مانند کتاب خاطرات عزت شاهی قلمی بسیار روان و خواندنی دارد. خاطرات احمد احمد نیز جدای از روایت جذاب سرنوشت یکی از مبارزان پیش از انقلاب، اطلاعات تاریخی خوبی درباره‌ی



انقلاب اسلامی مهم‌ترین رویدادی بود که موجب تغییر در اندیشه و عمل یک ملت شد بررسی و مطالعه درباره این انقلاب موجب انتشار کتاب‌های بیشماری در این زمینه شد که اغلب آنها یادآور خاطرات شهدا، خط مشی و زندگی نامه‌شان بود که توجه بسیاری را به خود جلب کرد کتاب‌های ارزنده‌ای که توسط انتشارات مختلفی چون سوره، راهیار و صدرا چاپ و در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت در این گزارش به معرفی تعدادی از این کتاب‌ها می‌پردازیم که در ادامه می‌خوانید:

متولد بهمن، اسفندیار قره‌باغی، خواننده ترانه معروف «امریکا ننگ به نیرنگ تو» است که در روزهای نخستین انقلاب، با ورود به مرکز موسیقی صداوسیما، همراه با جمعی از نامداران شعر و موسیقی آن روزگار، به خلق قطعات و آثار ماندگار دست می‌زند و مخاطب، با مطالعه «متولد بهمن» و مرور خاطرات او، تاریخ موسیقی انقلاب را نیز بازمی‌خواند. قره‌باغی که بعدها از طرف منافقین، مورد سوء



تاریخ قبل از انقلاب بویژه حزب ملل اسلامی، سازمان مجاهدین خلق، ماجرای تغییر ایدئولوژی سازمان و ... دارد. آپاراتیچی، جلیل طائفی اسدی در روزهای بعد از پیروزی انقلاب و دهه ۶۰، رنج ساخت فیلم‌های بلند را با ابتدایی‌ترین امکانات به جان خریده و آنها را با زحمت زیادی برای مردم نمایش داده است. مردمی که نه تنها سینما ندیده بودند؛ بلکه حتی داشتن تلویزیون هم برایشان آرزو بوده است. او قصه‌های انقلاب را به جاهایی برده که مردم آن مناطق، با گذشت چند سال از پیروزی انقلاب اسلامی، هنوز در جریان بسیاری از وقایع جامعه انقلابی‌شان قرار نداشتند.

این کتاب ۱۴۴ صفحه‌ای نیز که توسط روح‌الله رشیدی به نگارش درآمده، دربرگیرنده خاطرات شفاهی این عکاس و فیلمساز انقلابی است. کتاب خاطرات مرضیه حدیدچی، مرضیه حدیدچی (دباغ) از جمله زنان مبارز در سال‌های منجر به پیروزی انقلاب است که فعالیت‌ها و حرکت‌های سیاسی خود را از سال ۱۳۴۶ آغاز کرد و این مبارزات را تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داد. وی پس از پیروزی انقلاب فرمانده سپاه همدان، مسوول بسیج خواهران و نماینده مجلس شورای اسلامی بوده است. ماجرای قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، تحصیل در محضر آیت‌الله سعیدی و شروع مبارزات، دستگیری و شکنجه توسط عوامل شاه در سال ۱۳۵۲، هجرت به انگلستان، فعالیت‌های سیاسی در انگلیس، سوریه و لبنان، عزیمت به نوفل‌لوشاتو، فرماندهی سپاه همدان و عزیمت به مسکو برای ابلاغ پیام حضرت امام خمینی (ره) به میخائیل گورباچف از جمله محورهای موضوعی خاطرات مرضیه حدیدچی هستند. هشت میلی‌متر از انقلاب، محمد اصغرزاده در این کتاب ۱۳۶ صفحه‌ای، خاطرات علی میرقطبی از فعالان هنری اوایل انقلاب را درباره نحوه ساخت مستند «انقلاب در سبزوار» که با دوربین سوپر هشت میلی‌متری از تمامی اتفاقات راهپیمایی مردم سبزوار علیه رژیم پهلوی فیلم گرفته است، روایت کرده و در آن، روند فیلم‌سازی مستند در روزهای منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ مرور شده است. برخیزید، این کتاب ۲۰۸ صفحه‌ای، اثر دیگر روح‌الله رشیدی درباره بزرگان هنر انقلاب است و خاطرات شفاهی «سیدحمید شاهنگیان» از آهنگسازان و مدیران تأثیرگذار حوزه موسیقی را دربرمی‌گیرد. شاهنگیان از جمله هنرمندانی بود که در واقعه خونین ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ حضور داشت و از همان زمان، معتقد بود

که نباید اجازه داد که این اتفاق مهم تاریخی از سوی رژیم پهلوی به فراموشی سپرده شود. با همین انگیزه بود که به تنهایی و در خفقان آن دوران، سرود ۱۷ شهریور را به یاد شهدای این واقعه تولید کرد. به همین ترتیب، او تنظیم و آهنگسازی بسیاری از سرودهای انقلابی نظیر «برخیزید ای شهیدان راه خدا»، «خمینی ای امام» و... را نیز برعهده داشته است. پس از انقلاب نیز تا سال ۱۳۶۰ از سوی رییس وقت سازمان صداوسیما، مسئولیت امور موسیقی این نهاد را به عهده گرفت و در شرایط ویژه آن دوران، شاهد چالش‌های زیادی در این عرصه بود. فضایی که خاطراتی مهم و شنیدنی دارد که بخش‌هایی از آن، در کتاب «برخیزید» روایت شده است. روز آزادی زن، این کتاب ۱۸۴ صفحه‌ای درباره قیام بانوان مشهدی در ۱۷ دی ۱۳۵۶ بود که کار تحقیق و تدوین آن برعهده ملیحه بخشی‌نژاد، سمیه ذوقی و ندا ترکمنچه بوده است. رهبر انقلاب سال ۱۳۸۶ در بیاناتی درباره این واقعه فرمودند «در دی‌ماه ۱۳۵۶، روز هفدهم دی‌ماه در مشهد، یک اجتماع عظیمی، تظاهراتی از زنان مسلمان با شعار «حفظ حجاب» راه افتاد؛ ما آن وقت در تبعید بودیم، خبر آن را شنیدیم که زنان مؤمن و مسلمان و شجاع، چنین حرکتی را به راه انداختند.» انقلاب رنگ‌ها، این کتاب که به خاطرات شفاهی «علیرضا خالقی»، هنرمند و نقاش پیشکسوت انقلاب اسلامی می‌پردازد، اولین کتاب تاریخ شفاهی در حوزه هنرهای تجسمی انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. «انقلاب رنگ‌ها» در سه فصل و به قلم حسن سلطانی، فعالیت‌های علیرضا خالقی در زمینه خطاطی، نقاشی و تصویربرداری در دوران انقلاب و دفاع مقدس در حزب جمهوری اسلامی و تبلیغات جنگ را روایت کرده است. انقلاب نقش‌ها، «محمد ملتجی»، از هنرمندان عرصه تئاتر در سال‌های انقلاب و دفاع مقدس بوده و در این کتاب ۲۴۰ صفحه‌ای، خاطرات او از کودکی تا اوایل دهه ۱۳۷۰ روایت شده است. ملتجی، نمونه‌ای از فرزندان انقلاب اسلامی است که شاید بهترین توصیف درباره فعالیت‌ها و تلاش‌های آنها این تعبیر سید مرتضی آوینی باشد که: «فرزندان انقلاب در برابر عرصه‌های تجربه نشده، نسلی که در مسجد و پای منبر رشد یافته‌اند و به ناگاه خود را در مواجهه با هنرهای نوینی می‌بینند که پیشینه تاریخی چندان‌سی از آنها در ذهن ندارند. ملتجی، خودش گفته است: «انقلاب بود که توقع‌مان را از خودمان برد بالا و دنیای دیگری را پیش چشم‌مان گشود.» حسن سلطانی و مرتضی انصاری‌زاده تحقیق و تدوین «انقلاب نقش‌ها» را برعهده داشته‌اند.



# مهمترین نکات درباره تعمیر مبل که باید بدانید

به طور کلی برای تعمیر مبل لازم است نکاتی را بدانید. مثلاً باید با توجه به مشاهده ظاهر پارچه و چوب مبل، بتوانید تشخیص دهید که آیا لزومی به تعویض آن وجود دارد یا نه. همچنین با بررسی اجمالی می‌توانید به این نتیجه برسید که آیا نیاز به تعویض مبل می‌باشد و یا با تعمیر، مجدداً قابل استفاده خواهد بود. در این مقاله می‌توانید با نکات مهم مربوط به تعمیر مبل مواردی مانند تعمیرات مبل راحتی، مبل استیل، بررسی کیفیت کلاف مبل و انتخاب نوع پارچه آشنا شوید.



## نکات رویه کوبی مبل

اگر بخواهیم از نظر هزینه رویه کوبی مبل را با خرید یک مبلمان جدید مقایسه کنیم، بدون شک تعمیر و رویه کوبی به صرفه‌تر و کم‌هزینه‌تر است. اما دقت داشته باشید که برای استفاده از تعمیرات رویه کوبی لازم است حداقل بدنه و کلاف مبل سالم باشد. در این صورت تنها با تعویض رویه فعلی مبل می‌توانید نسبت به نوسازی مبل خود اقدام کنید.



در بعضی از مواقع مشاهده می شود که افراد علاقه خاصی به مبیل فعلی خود داشته و حاضر به تعویض آن نیستند. اما ممکن است با گذشت زمان مبیل ها دچار فرسودگی ها و یا آسیب هایی در قسمت های مختلف شوند. در این زمان است که رویه کوبی مبیل به کمک ما آمده و موجب می شود بتوانیم در یک بازه زمانی دیگر به مدت طولانی تر از مبلمان موجود خود استفاده کنیم. رویه کوبی برای مبیل های راحتی کاربرد بیشتری دارد. زیرا این نوع از مبیل ها نسبت به دیگر مدل ها بیشتر استفاده می شوند. در نتیجه بعد از مدتی ممکن است بشدت دچار آسیب و فرسودگی شود و امکان تعمیر نداشته باشد.

### تعمیر مبیل

همانطور که پیشتر اشاره کردیم در برخی مواقع ممکن است مبیل های راحتی قابل تعمیر نباشد. اما در صورتی که خسارت های وارد شده به این مبیل ها زیاد نباشد، می توان با در نظر گرفتن موارد زیر برای تعمیر آن از یک نیروی متخصص کمک گرفت. پس در نتیجه در اولین مرحله باید ببینید آیا مبیل به طور کلی قابل تعمیر است یا نه؟ یکی از نشانه های اینکه مبیل ارزش تعمیر دارد این است که در ساخت کلاف آن از متریال با کیفیت استفاده شده باشد. و اگر این بخش از مبیل که در واقع بدنه آن را تشکیل می دهد آسیب ندیده باشد، می توان گفت این مبیل ارزش تعمیر را دارد. یافتن بخش های آسیب دیده دومین گام در خصوص تعمیر مبیل راحتی است. در واقع تعمیر کار به طور دقیق مبیل را بررسی کرده و تمامی مشکلات آن را اعم از مشکلاتی شبیه شکستگی و یا لق شدن پایه، پارگی پارچه، خط و خش در قسمت های تاج و دسته ها و... را یافته و یکی یکی در پی رفع آنها می کوشد.





نگاهی به سطح علمی جوانان در دوران پهلوی و انقلاب:

# رشد علمی جوانان را مدیون پیروزی انقلاب هستیم



دوران پهلوی و امروز داشتیم که در ادامه می‌خوانید:

«پیشرفت سطح علمی بعد از انقلاب»

پس از انقلاب ما شاهد موفقیت هر ساله دانش آموزان و دانشجویان ایرانی در دست یابی به مقامات جهانی و مدال‌های رنگارنگ در المپیادهای علمی در رشته‌های مختلفی همچون فیزیک، ریاضی، شیمی، کامپیوتر و ... در

کشور ایران با جمعیت جوان از دوران پهلوی تا کنون فراز و فرودهایی را سپری کرده که اکنون توانسته در سطح علمی از جمله کشورهای در حال پیشرفت محسوب شود. اگر نگاهی به پیشینه آن داشته باشیم در می‌یابیم که با ورود انقلاب اسلامی ایران توانست به پیشرفت‌های چشمگیری در همه‌ی زمینه‌ها برسد البته این رشد را مدیون جوانان انقلابی و نخبه‌امروزی هستیم که تلاششان ستودنی است، در این گزارش مقایسه علمی درباره

خدمات فنی مهندسی در حوزه های صنعت نفت، کشاورزی، بهداشت، سدسازی، تراکتورسازی، هسته ای، خودروسازی، سلول های بنیادین و ... تبدیل شده است. در عرصه علوم نوین، دانشمندان ایرانی توانسته‌اند تا مرزهای جدید دانش بشری پیش روند و در مواردی از این مرزها نیز عبور کنند. موفقیت‌های دانشمندان ایرانی در زمینه های سلول های بنیادین، نانو تکنولوژی، مهندسی ژنتیک، علوم هسته ای، علوم فضایی و ... از این موارد است. ایران در سال ۲۰۱۳ میلادی رتبه نوزدهم جهانی در رشد تولید علم را به دست آورد و این در حالی است که کشورهای لهستان، بلژیک، دانمارک، اسکاتلند، اتریش، پرتغال، رژیم اشغالگر قدس، سنگاپور، مکزیک و جمهوری چک بعد از ایران به ترتیب رتبه های ۲۱ تا ۳۰ را از نظر تولید علم در اختیار دارند.

رقابت با کشورهای پیشرفته علمی هستیم که یکی از شواهد رشد و توسعه علمی کشور است؛ این در حالی است که قبل از انقلاب اسلامی، دانش آموزان ایرانی در المپیادهای جهانی شرکت نداشتند. در آن زمان به تعلیمات ابتدایی توجه خیلی زیادی نشده بود (در سال‌های دهه ۴۰)، شمار بی‌سودی در کشور خیلی زیاد بود ولی با همه تلاشی که در همان دهه ۴۰ برای آموزشی شد، تعلیمات فنی هنوز عقب افتاده بود. به عنوان نمونه، در اواخر دهه ۵۰، یعنی خیلی پس از آن دوران، ما در ایران سالی ۹۰ هزار کارآموز فنی داشتیم در ترکیه ۹۰۰ هزار داشتند. یعنی ده برابر و در کشورهای پیشرفته که اصلاً قابل مقایسه نبود.» هم اکنون ما شاهد این هستیم که ایران در بسیاری از فناوری‌ها نه تنها خودکفا شده بلکه به کشور صادر کننده



علم و مهندسی کرده‌اند آن هم بعد از دانشگاه و دانشجو رفتن، اما عملاً دانشگاه‌های کشور را کمترین فعالیت علمی برخوردار بودند! هرگز معز فعال و استعداد درخشانی بود، اگر می‌خواست کار کند اگر در داخل کشور سرگوبی نمی‌کردند، حضور بود بیرون کشور کند! اینجا نمی‌شد.



### «روند نماگرهای آموزش و توسعه انسانی»

بر اساس اولین گزارش ملی توسعه انسانی که توسط سازمان ملل متحد و با همکاری سازمان برنامه و بودجه ایران تهیه شد، نشان می‌دهد که افزایش نرخ باسوادی و رشد سطح آموزش و پرورش در دوره جمهوری اسلامی نسبت به رژیم سلطنتی، از رشد چشمگیری برخوردار بوده است.

مطالعه سیاست‌های رژیم پهلوی و آمارهای ارائه شده، نشان می‌دهد که جهت‌گیری‌ها و سیاست‌های آموزش و پرورش با توجه به سیاست‌های کلان کشور عموماً در جهت توسعه نیروی انسانی کارگر در سطح مهارت‌های عادی و عدم حضور نیروهای آموزش دیده در تولید علم، نظریه و فن آوری بوده است.

به طور کلی می‌توان بیان داشت که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ضمن آنکه نرخ سواد در کل کشور و در کل گروه‌های سنی افزایش یافته، به طور ویژه آموزش جمعیت زنان و جمعیت روستاییان مورد تأکید قرار گرفته است و باعث شده اختلاف نرخ سواد بین مردان و زنان و بین مناطق شهری و روستایی به مقدار زیادی کاهش پیدا کند.

همچنین ایران در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی تمام تلاش خود را معطوف

بر این داشته است تا در عرصه جایگاه علمی در منطقه خاورمیانه و سراسر جهان از موقعیت قابل ملاحظه و شایسته‌ای برخوردار باشد که براساس آمارهای بین‌المللی به نسبت بسیار زیادی در این امر موفق بوده است و این را نباید فراموش کرد که تمام دستاوردهای ایران در دوران پس از انقلاب در شرایطی بدست آمده است که بسیاری از کشورهای صاحب علم و قدرت تمام تلاش شان را با اعمال تحریم و ترور دانشمندان ایرانی انجام دادند تا ایران نتواند به جایگاه‌های رفیع علمی دست یابد؛ اما به خواست الهی و با تلاش غیور مردمان ایران زمین، دشمنان ناکام ماندند و ایران در حال حاضر جزء قدرت‌های علمی در دنیا شناخته می‌شود.

### «پزشکی در ایران قبل و بعد از انقلاب»

در خصوص مسائلی پزشکی هم در سال ۵۶ با ۳۳ میلیون جمعیت، نیازمند ورود پزشک خارجی از سایر کشورها بود، اما هم اکنون با جمعیتی بیش از دو برابر و به تبع آن با نیازی بیشتر به پزشک، با مازاد پزشک روبه روهستیم؛ همچنین در زمینه پزشک متخصص نیز از جمعیت ۷۰۰۰ نفر در سال ۵۷ به جمعیت ۷۲,۷۹۲ پزشک متخصص در حال حاضر رسیده ایم و همچنین باید گفت که مردم بسیاری از کشورها به منظور درمان به کشورمان سفر می‌کنند تا تحت نظر پزشکان ایرانی به درمان خود پردازند.



fazli



# راهکارهایی برای کاهش


## عوارض پوستی ناشی از

### ماسک‌های تنفسی

دکتر فهیمه عبداللهی مجد عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، گفت: در پاندمی کووید ۱۹ استفاده از ماسک‌های تنفسی، رعایت فاصله گذاری اجتماعی و شست و شوی دقیق و مکرر دست‌ها سه اصل مهم برای پیشگیری و کنترل شیوع بیماری است که اکیدا به افراد جامعه توصیه می‌شود. در این دوران استفاده از وسایل حفاظتی برای قطع زنجیره انتقال کرونا و کاهش شیوع و بروز بیماری الزامی است اما در برخی افراد به ویژه کادر درمان استفاده از وسایل حفاظتی نظیر ماسک، شیلد و دستکش ممکن است منجر به بروز مشکلات پوستی نظیر حساسیت، آگزما، تماسی و یا آکنه شود.

سایش و تماس مکانیکی مداوم و طولانی مدت پوست با ماسک‌های تنفسی به ویژه اگر همراه گرما و تعریق باشد دلیل بروز این آکنه‌ها یا جوشهاست، البته گاهی انسداد فولیکول‌های مو و رشد باکتری‌ها در آن قسمت نیز منجر به ایجاد التهاب یا فولیکولیت و بروز جوش می‌شود. استفاده از کرم‌های آرایشی، تماس طولانی مدت پوست صورت با ماسک تنفسی به ویژه ماسک‌هایی نظیر N۹۵ که محکم به صورت می‌چسبند نیز باعث افزایش احتمال بروز آکنه‌های صورت می‌شوند





عبداللهی مجد بر ضرورت استراحت ۱۵ دقیقه ای و برداشتن ماسک پس از هر چهار ساعت استفاده مداوم از ماسک تاکید کرد و آن را منوط به شرایطی دانست که خطر انتقال بیماری وجود نداشته باشد به طور مثال در محیط باز و با فاصله حداقل دو متری از سایر افراد و یا زمانی که در خودرو تنها هستید. شست و شوی روزانه صورت با یک شوینده ملایم و فاقد عطر و استفاده از مرطوب کننده مناسب قبل و بعد استفاده از ماسک را از راهکارهای موثر در این خصوص است. از مرطوب کننده استفاده نکنند و در صورت خشک شدن پوستشان از مرطوب کننده‌های فاقد چربی بهره بگیرند. برای جلوگیری از بروز این عارضه قبل از زدن ماسک، بعد از شست و شوی صورت و قبل از خواب حتما لب‌ها را با وازلین چرب کنید. با توجه به این که کرم‌های آرایشی منجر به انسداد منافذ پوست و افزایش احتمال آکنه می‌شوند، سعی کنید از این محصولات استفاده نکنید و در صورت ضرورت از محصولات غیر کومدوژن‌زا که احتمال بروز آکنه به دنبال استفاده از آنها کمتر است، استفاده کنید. ماسک‌های پارچه‌ای پس از هر بار استفاده حتما باید به خوبی شسته شوند و ماسک‌های یک بار مصرف نیز فقط یک بار استفاده شوند. البته باید توجه داشته باشید که ماسک نباید خیلی آزاد و یا خیلی محکم روی صورت قرار گیرد.

منبع: ایسنا

واژه فارسی کومدوژن از Comedogenic

پارسا احمدوند فرزند جانباز سی و پنج درصد؛ اعصاب و روان و آزاده دفاع مقدس که در عرصه رسانه و فیلم سازی فعالیت می کند، رویای ساختن مستندی از زندگی جانبازان اعصاب و روان را در سر می پروراند.

گفتگو: ابوالفضل کیمیایی



گفتگو

پارسا احمدوند «فرزند جانباز» در گفتگو با شاهد جوان:

# دوست دارم مستندی درباره زندگی جانبازان بسازم



باشد نادیده نمی گیرد و برای حل آن معضلات همیشه آماده است. پدرم درباره ایام دهه فجر خاطرات زیادی را برای من و برادرم عنوان کرده است. او می گوید: بهمن سال ۱۳۵۷ یک نوجوان ۱۶ ساله بودم که به اتفاق برادر و بچه های محل حکومت نظامی را نادیده می گرفتیم و کارشمارنویسی و تظاهرات شبانه جزو برنامه های مهم ما بود. ساختن بمب دستی آتش زاکه به کوکتل مولوتف معروف بود در زمین گیر کردن نیروهای ارتش خیلی موثر عمل می کرد. ایام پیروزی انقلاب روزهای بسیار خاصی بود. مردم خیلی به یکدیگر کمک می کردند. بهمن ۵۷ سال خیلی سال سردی بود و تامین سوخت منازل که در آن مقطع نفت سفید بود، خیلی سخت شده

پارسا احمدوند فرزند جانباز و آزاده دفاع مقدس محمدرضا احمدوند به مناسبت فرارسیدن ایام الله دهه فجر در گفتگو با خبرنگار شاهد جوان درباره جانبازی و آزادگی پدر خود گفت: پدرم در دوران پیروزی انقلاب اسلامی یک نوجوان شانزده ساله بود او سرشار از نیرو جوانی و شوق دست یافتن به آزادی و استقلال بود همان چیزی که در آن زمان به رهبری حضرت امام (ره) آرزوی هر ایرانی وطن پرست مسلمان بود. وی بیان کرد: پدرم بسیار صبور است او به محیط اطراف و اتفاقاتی که پیرامون او در جریان است توجه خاصی دارد و خیلی از مسائل و مشکلات افراد جامعه را تاجایی که در دید او

بود صف‌های طولانی برای گرفتن نفت شرایط را بغرنج‌تر کرده بود. حرکت جامعه و جوانان با رهبری حضرت امام (ره) برای پیاده‌سازی حکومت اسلامی شور و شوق وصف ناپذیری را در جامعه به راه انداخته بود. با پیروزی انقلاب و شروع شدن جنگ تحمیلی پدرم برای دفاع از انقلاب و کشور به فرمان حضرت امام راهی جبهه شد و در یکی از عملیات‌ها زمانی که دشمن آتش بر سر آنها می‌ریخت در اثر انفجار گلوله توپ و خمپاره دچار موج گرفتگی شد مجروحیت او مانعی نشد تا دوست و هم‌رزم خود را که او نیز مجروح شده بود فراموش کند و زمانی که برای نجات دوست خود برمی‌گردد به دست نیروهای عراقی اسیر می‌شود. اسارت پدرم به مدت ۵ سال طول میکشد آنهایی که زمان آزادی و بازگشت پدرم را به یاد دارند از آن روز خیلی با شکوه یاد می‌کنند همه به استقبال او آمده بودند و از بازگشت پدرم خیلی خوشحال بودند یکی از مواردی که همیشه پدرم را ناراحت می‌کند این است که در زمان بازگشت او مادر بزرگم دیگر در قید حیات نبود. او سالهای دوری از پدرم را خیلی سخت تحمل کرد ولی نتوانست بازگشت فرزندش را به چشم ببیند. پارسا در ادامه گفت: پدر برای دفاع از کشور و انقلاب راهی جبهه شد و به درجه جانبازی و آزادگی رسید که البته کار خیلی بزرگیست اما تصور می‌کنم انتخاب مادرم به خودی خود کار بسیار بزرگی است. اینکه با انتخاب و فقط از روی عشق و علاقه با جانبازی که دچار موج گرفتگی شده و از بسیاری از بیماری‌های دوران اسارت رنج می‌برد زندگی مشترکی را آغاز کرده خود نوعی ایثار است زمانی که

بچه بودم و به مدرسه شاهد میرفتم تا حدودی متوجه مسئله جانبازی شده بودم چون که تمام دوستانم در مدرسه یا فرزند شهید بودند یا جانباز و آزاده، کم‌کم فهمیدم پدرم برای جنگ و دفاع جانباز شده است و جانبازی‌اش هم اعصاب و روان است. پدرم با اینکه دچار موج گرفتگی شده ولی اصلاً پرخاشگر نیست و فقط مواقعی که حالش مساعد نیست تمام ناراحتی خودش را در درون خود نگه می‌دارد و اصلاً دیگران را ناراحت نمی‌کند. دوران اسارت از پدرم را صبور ساخته برای همین صبر و استقامت او در سختی‌ها مثال زدنی است. من اکنون در دانشگاه سوره در رشته کارگردانی و فیلمسازی مشغول تحصیلم و از جایی که در دوران متوسطه در هنرستان شهید آوینی که به واقع یک مرکز آموزشی مناسب برای علاقه‌مندان هنر است، تدوین فیلم، تصویربرداری و موشن گرافی را تجربه کردم و آموختم. برحسب تسلط بر نرم‌افزارهای تدوین فیلم و گرافیک در روزنامه و خبرگزاری‌های معتبر کشور کار تدوین فیلم و فضای مجازی را انجام داده‌ام و اکنون نیز در حوزه رسانه‌های تصویری و دیجیتال مشغول بکارم. از آنجایی که در رشته کارگردانی تحصیل می‌کنم و چندین سال نیز در محیط‌های حرفه‌ای مشغول بکار بوده‌ام، به عنوان یک فرزند جانباز اعصاب و روان دوست دارم یک فیلم مستند درباره زندگی جانبازان اعصاب و روان بسازم و تمام مصائب و سختی‌هایی که یک جانباز اعصاب و روان و خانواده‌اش متحمل می‌شود را به تصویر بکشم تا جامعه و دیگرانی که مسئله سهمیه‌های فرزندان شاهد و ایثارگر را ندانسته چماقی بر سر فرزندان شاهد و ایثارگر کرده‌اند ببینند که آیا سهمیه‌های دنیایی ارزش آن سختی‌ها را دارد؟ زخم زبان دوستان و آشنایان و بعضاً همکاران درباره سهمیه‌ی جانبازی



تلاشم در زندگی حول این محور است که پدرم؛ الگوی عینی صبر و مقاومت، گذشت و ایثار باشد و به طریقی زندگی کنم که در ابتدا خداوند متعال و سپس پدر و مادرم از من راضی و خرسند باشند.

آرزوی آن را دارم که پدر و مادرم را تا سال های دور در کنار هم ببینم و از شادی و خوشحالی آنها لذت ببرم. در همین جا به پدر صبور و ایثار گرم می گویم پدر به اندازه تمام دنیا دوستت دارم امید دارم هیچ موقع خم ابر و نارحتی و بیماری تو را نبینم.

یکی از رویاهایم این است که روزی به عنوان کارگردان، مستندسازی را شروع کنم و پس از پرداختن به موضوعات روز اجتماعی و فرهنگی و ساخت فیلم درباره زندگی جانبازان اعصاب و روان، مستندی در ستایش صلح و دوستی بسازم چرا که به عنوان فرزند جانبااز و آزاده زیانهای جنگ را در روح روان و زندگی خود و خانواده و دوستانم دیده و می بینم. البته یک نکته مهم این است که ما آغاز کننده جنگ نبودیم و درواقع از سرزمین و انقلابمان دفاع کردیم و اکنون نیز در مقابل کوچکترین تعرضی مردانه ایستاده ایم. در پایان از خداوند متعال می خواهم به برکت وجود مقدس صاحب الزمان (عج)، ائمه اطهار (ع) و همت والای پزشکان و دانشمندان، بیماری کرونا از تمام دنیا محو شود تا دیگر هیچ کس از این بیماری هولناک دچار زیان روحی، جسمی و مرگ نشود و همه ی مردم دنیا در صلح و صفا و دوستی زندگی کنند.

خیلی آزارم می دهد نه تنها من بلکه تمام دوستانم از این موضوع رنج می برند. من در زندگی همیشه سعی کرده ام پدرم را به عنوان الگوی خود انتخاب کنم و تمام حسنات او را تمرین کنم تا روزی در من نهادینه شود. از سوی دیگر عشق حاکم میان پدر و مادرم مثال زدنی است گاهی اوقات با خودم می گویم چطور می شود دو نفر تا این حد برای یکدیگر و متعاقبا برای من و برادر از جان مایه بگذارد و در نهایت صداقت و درستی و صبر زیاد تمام موانع و مشکلات پیش روی زندگی را طی کنند.

این وابستگی، صداقت و ایثار هیچ چیزی جز عشق تا سرحد جنون نیست. پدرم را دوست دارم چون تنها به خود و خانواده اش نمی اندیشد، از سختی ها و مصیبت یک کارتن خواب نیز رنج می برد. پدرم از این رنج می برد که جامعه دیگر آن جامعه زمان دفاع مقدس نیست. توجه و دست گیری از ناتوانان برایش خیلی اهمیت دارد و از اینکه مشکل فردی را مرتفع کند حالش خوب می شود. همیشه به من و برادرم سفارش می کند تا جایی که توانایی دارید در حل مشکلات دیگران سهیم باشیم. او برای دوستی و رفاقت خیلی ارزش قائل است و برای کمک رسانی به دوستان خود لحظه ای درنگ نمی کند، این تعهد تا جایی برایش مهم است که نجات دوست و هم رزمش عامل اسارتش شد. تمام سعی و

# منتخب برگزیدگان مسابقه مکتب حاج قاسم

محمد کشاورز شیرازی



پارسا مهر



بذرافشان



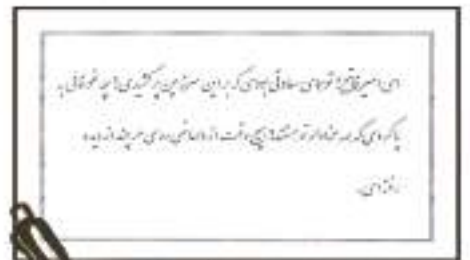
سید امیرحسین

منصوری



شهادت پادشاه تماشایی وقفه او  
در همه این سالها بیان بود

فرشید رضایی



سید مهدی سین پناهی تازه آباد



# چهار نکته انقلاب

## آفت‌های



## آینده‌انق



نقش جوانان

آمادگی علمی • آمادگی اعتد

استمرار پیشرفت‌ها با  
همت مردم و مسئولان

## کارکردهای انقلاب اسلامی

تبدیل نظام طاغوتی  
به نظام مردم‌سالاری



کارکردهای نظام  
مردم‌سالار

- مقابله با سلطه طاغوت
- مقابله با سلطه خارجی
- عظمت و عزت
- منطقه‌ای و جهانی



زنده کردن روحیه  
کارهای بزرگ

- بسیج
- جهادسازندگی
- سپاه



پرورش  
استعدادهای مردمی

- قطب پزشکی و درمان
- زیست فناوری
- دفاعی
- نانو
- هسته‌ای
- دانش‌های مرتبط
- یا فضای مجازی



اقتصاد مقاومتی یعنی درون‌زا  
ارتباط با دنیا، تکیه و اعتماد به



مدیریت جهادی یعنی پرکاری همراه  
با تدبیر و پیگیری و دنبال کردن کار.



# تهه درپاره اسلامی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران  
۱۳۹۶/۱۱/۲۹

میدرهما

۳

## انقلاب اسلامی { ...

برجندی



۴

## انقلاب اسلامی { ...



ان و نوجوانان

قادی • افزایش انگیزه انقلابی

۲

## اولویت های انقلاب اسلامی

- ۱ ترجیح مدیریت جهادی بر دیوان سالاری فرسوده
- ۲ خدمت رسانی به قشرهای ضعیف و مناطق محروم
- ۳ ترجیح کشورهای شرقی با مشترکات بیشتر بر کشورهای غربی
- ۴ اقتصاد مقاومتی
  - تولید و اشتغال
  - صادرات خوب
  - جذب سرمایه گذاری خارجی
  - واردات در حد نیاز
- ۵ ساخت و نوسازی ابزارهای دفاعی
- ۶ ترجیح مردم بر منافع جناحی و حزبی

ارتجاع یعنی انقلابی که مردم شروع کردند، یک جاهایی سست شود، متوقف شود و بعد به عقب برگردد.



بی و برون گرایی. در عین مردم است نه بیگانه.



حمید کشاورز از برگزیدگان مراسم «مسابقه فرهنگی خادمان مکتب حاج قاسم»:

## این مراسم‌ها باعث دلگرمی و کمک به هنرمندان

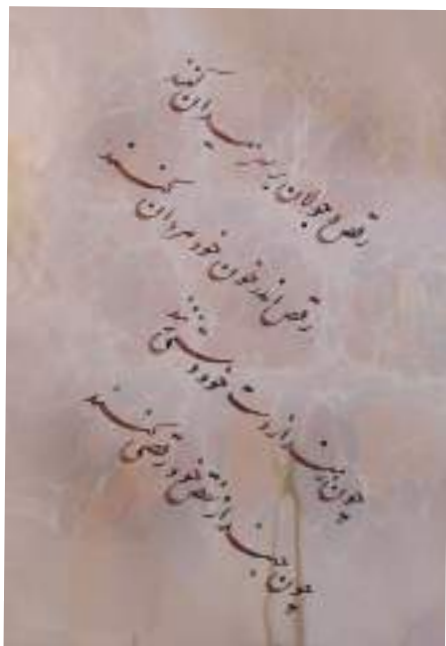
### ناشناخته می‌شود

ارزیابی شما از برگزاری اینگونه مراسم‌ها چیست؟

بسیار عالیست به نظر من برگزاری اینگونه مراسم‌ها باعث دلگرمی و کمک به هنرمندان ناشناخته می‌شود و به آنها انگیزه بیشتری می‌دهد که در این عرصه کوشا باشند.

آیا شما اثر دیگر هم دارید که در جشنواره‌های بعدی هم شرکت دهید؟

اثری ندارم ولی بر اساس موضوع جشنواره می‌توانم در مراسم‌های دیگر شرکت کنم.



حمید کشاورز شیری یکی دیگر از برگزیدگان مراسم مسابقه فرهنگی خادمان مکتب حاج قاسم سلیمانی است که در بخش خوشنویسی موفق به کسب رتبه عالی شد در گفت و گو با شاهد جوان از حضور خود در این مراسم گفت.

در ابتدا ضمن معرفی از فعالیت‌هایتان بگویید!

حمید کشاورز شیری فرزند شهید و متولد ۱۳۶۶ هستم، از سال ۸۱ تا ۸۴ عضو انجمن خوشنویسان بودم و فوق لیسانس مرمت اشیاء، فرهنگی و تاریخی دارم.

در این مراسم شما در کدام بخش برنده شده‌اید:

در بخش خوشنویسی رتبه عالی را به خود اختصاص دادم و از این بابت خدا رو شاکر هستم.

از بین چند اثر کار شما انتخاب شده؟

از بین ۱۲۰۰ اثر کار من موفق به دریافت رتبه عالی شد. از این بابت خوشحالم چون تجربه خوبی برای من بود.

به نظر شما چرا اثر شما انتخاب شد؟

حقیقتاً نمیدانم مطمئنم که خواست خدا بوده که بعد از این همه تلاش در این مسابقه رتبه برگزیده نصیبم شود.

# منتخب برگزیدگان مسابقه مکتب حاج قاسم

حمیدرضا احمدی اتویی



آرزو علیپور بازکیانی



ت استراحت  
ن ماسک پس  
اده مداوم  
آن را منوط

حمیدرضا احمدی اتویی



حمیدرضا احمدی اتویی



علی هاشمی کوشان

مسعود مردانی عضو ستاد ملی مبارزه با کرونا مطرح کرد:



# جوانان هدف اصلی نوع جهش

## یافته کرونا



مسعود مردانی عضو ستاد ملی مبارزه با کرونا در خصوص تفاوت ویروس کرونا با ویروس کرونای جهش یافته اظهار کرد: نوع معمولی ویروس کرونا برای جوانان و نوجوانان خطر کمتری دارد که باعث می شود خیلی از این افراد توصیه های ایمنی را جدی نگیرند. اما تحقیقات نشان داده است که نوع جهش یافته این ویروس بیشتر در بین جوانان و نوجوانان رایج است و کشندگی بیشتری هم دارد.

در پی همه گیری ویروس کرونا که به تازگی نوع جهش یافته آن بیشتر مشغله های ذهنی افراد را به خود اختصاص داده، موارد بسیاری برای جلوگیری و همینطور پیشگیری از انتقال آن پیشنهاد شده است. همچنین در خصوص واکسن های ساخته شده و تاثیر آن بر روی انسان، سوالاتی به ذهن اکثر مردم خطور کرده که پاسخ این سوالات را باید از کارشناس مربوطه آن حوزه دریافت کرد به این بهانه با مسعود مردانی گفتگو کردیم که می خوانید:

وی افزود: تفاوت اصلی ویروس کرونای جهش یافته با ویروس کرونای معمولی یا چینی در این است که سرعت انتقال ویروس جهش یافته ۷۰ درصد بیشتر است.

مردانی ادامه داد: همچنین شدت علائم در این ویروس بیشتر است. قبلا تصور می شد که مرگ و میر یکسانی دارند اما اکنون به این نتیجه رسیده اند که ویروس جهش یافته درصد مرگ و میر بیشتری دارد. همچنین تحقیقات نشان داده است که ویروس جهش یافته در بین افراد زیر ۲۰ سال شایع است عضو ستاد ملی مبارزه با کرونا عنوان کرد: انواع ویروس های جهش یافته شامل نوع جهش یافته آفریقایی، برزیلی، آمریکایی (کالیفورنیا) و انگلیسی است که میان انواع ویروس جهش یافته کرونا تفاوت هایی وجود دارد. برای مثال نوع انگلیسی این ویروس با تزریق واکسن همانند نوع معمولی ویروس قابل درمان و پیشگیری است اما نوع آفریقایی این ویروس بین ۶۰ تا ۷۰ درصد با تزریق واکسن قابل درمان است. برای همین باید تغییراتی در آن ایجاد شود تا قابل درمان باشد.

وی اضافه کرد: همچنین به دلیل اینکه روش های شناسایی انواع جهش یافته این ویروس مشکل تر از شناسایی نوع معمولی آن است، تشخیص این نوع ویروس ها معمولا بین یک تا دو هفته زمان می برد همچنین این تشخیص هزینه بیشتری نیز دارد

مردانی ادامه داد: راه های پیشگیری از انواع جهش یافته این ویروس، تفاوتی با روش های پیشگیری از نوع معمولی آن ندارد که شامل پنج عمل شست و شوی مکرر دست، فاصله گذاری اجتماعی، ماسک زدن از خانه تا خانه، پرهیز از تجمعات همچون مهمانی ها و دورهمی ها و پرهیز از سفرهای غیر ضروری است، با رعایت این موارد از انواع ویروس کرونای جهش یافته و معمولی آن در امان خواهیم بود

وی در پاسخ به این سوال که عنوان شده برای پیشگیری از ابتلا به نوع جهش یافته این ویروس باید دو ماسک پوشید؟ آیا این صحت دارد؟ گفت: خیر پوشیدن دو ماسک برای تمامی انواع جهش یافته و معمولی کرونا علل خصوص در مکان های پر تردد مانند مترو و وسایل نقلیه عمومی پیشنهاد می شود زیرا تحقیقات نشان داده است که با پوشیدن ماسک سه لایه و طبی بین ۷۰ تا ۸۰ درصد و با پوشیدن یک ماسک پارچه ای و خانگی بر روی آن تا ۹۶ درصد از ابتلا به کرونا جلوگیری می شود این پزشک متخصص در پاسخ به این سوال که با واکسن زدن آیا این ویروس ها به آدم منتقل می شود یا خیر؟ بیان کرد: قبلا محققان فکر می کردند که کسی که واکسن تزریق می کند می تواند ویروس را به دیگران منتقل کند اما اکنون به این نتیجه رسیده اند که فردی که واکسن تزریق می کند این ویروس را به دیگران منتقل نمی کند.



# طلسم

عادی شده باشد، توی حال خودش بود. صدا را پایین آورد و ادامه داد:

- قول میدی به کسی نگي؟

خم شدم روی برانکار...!

- آگه بگم، گناه؟

- طلسمش می شکنه.

- طلسم!

- ها... آه!

خون چک! چک! از زیر برانکار می چکید روی خاک.

از درد پلک‌ها را روی هم فشار داد. دانه های عرق توی

صورتش جوشید. گفتم:

«چی شد؟»

- چی... زی نی... س... جوابم رو ندادی؟

- باشه، قول میدم، پیش خودم بمونه!

آب دهان را پایین داد و گفت:

«میدونی»

حرفش را بریدم:

- گفتن خودت، طلسم رو نمی شکنه؟

- تو فقط گوش کن...

از درد حرف خود را قطع کرد. چند بار نفس گرفت. بی‌قرار

شده بود، ادامه داد:

- تو چن... د سال جنگ، همیشه از خ... دا خواستم شهید

بشم.

نفس گرفت.

- اما ننه م، دم به ساعت، دعا می کنه که سالم برگردم

خونه.

- این وسط، خدا مونده دعای منو مستجاب کنه، یا دعای

ننه م رو! برای اینه که زخمی می شم!

عینکم را برداشت. بین خندیدن و گریه ماندم. خسته شد

و اشاره کرد تا برانکار را زمین بگذاریم. برانکار را روی

زمین که گذاشتیم، بالای سرش نشستیم. چند بار دست

کشیدم توی موهای خاکی جلو سر او بازی کردم. صدای

همهمه و درگیری از پشت خاکریز بلند شد.

- آتیش کنید، دشمن داره می آد!

صدای سوت خمپاره آمد. کپ شدم روی خاک. فر فر

ترکش ها هوای بالای سرم را شکافت. سرو صدا که

خوابید؛ روی دو زانو نشستیم. تند به او خیره شدم. صورتش

سفید و چشم هایش به تاق آسمان خشک بود.

خمپاره پشت خاکریز که زمین خورد؛ صدای ناله‌اش به گوش رسید. دود و خاک که پس رفت؛ روی پهلوی راست افتاد. نشستم بالای سرش. دست روی پهلوی چپ او گذاشتم. خون آرام از لای انگشت‌هایش نشت کرد. زخم از بیرون دهان باز کرده بود! توی دلم خالی شد! چفیه ازدور گردن باز کردم و گذاشتم روی زخمش. فریاد زد:

- امدادگر! امدادگر!

زیر آتش خمپاره، امدادگری خودش را رساند. عرق صورت خاک گرفته اش را پاک کرد و برانکار را کنار او گذاشت. گفت:

«کمک کن پاهاش رو بگیر!»

دو پای بلند و شانه پهن او را گرفتیم تا داخل برانکار بگذارند. چشمم به خط خرچنگ قورباغه ایی افتاد که با ماژیک آبی، روی برزنت برانکار نوشته شده بود:

- حمل بیش از ۴۰ کیلو بار، اکیدن ممنوع!

بی اختیار خندیدیم و نگاهم را انداختم به او که بالای هفتاد کیلو داشت! نوشته ی روی برانکار برای امدادگر تازگی نداشت. بالاخره زور زدیم و او را توی برانکار

خواباندیم. من عقب برانکار و امدادگر جلو حرکت

کرد. چفیه روی پهلوی او خیلی زود رنگ خون گرفت. صورتش هم رنگ نداشت. به ذهنم رسید سر او را گرم کنم.

- باز که ترکش خوردی؟

مژها و صورتم از زیر عینک هم، خاک گرفته بود. یکی دو بار پلک زدم و ادامه دادم:

- چه سری هست تو کارت، زخمی می‌شی، اما شهید نمی‌شی!

انگار که از حرفم جان گرفته باشد، لبخند کم رنگی زد.

- دلیلش رو می‌خوای بدونی؟

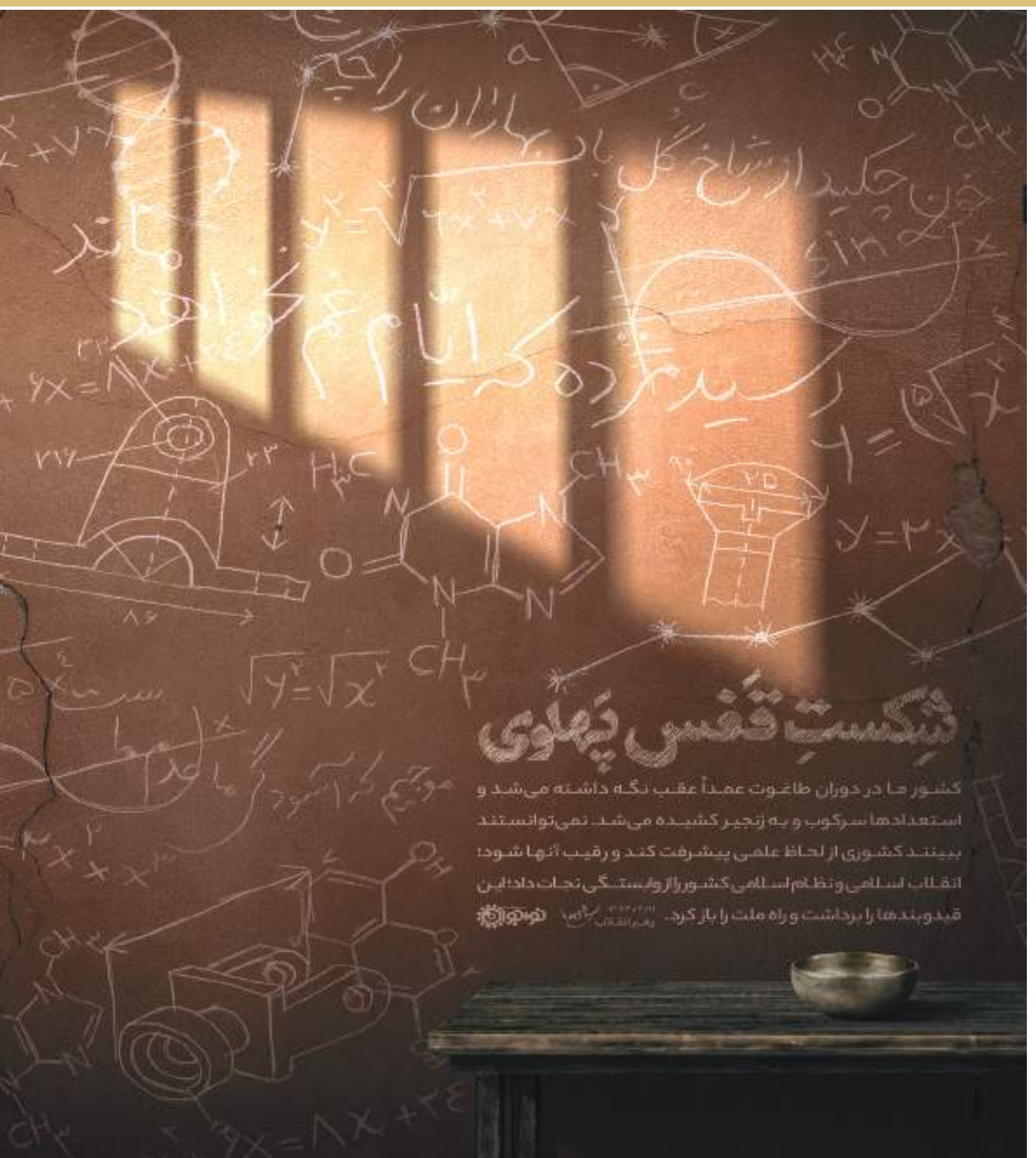
از سنگینی برانکار عرق می‌ریختم و هن هن نفسم

بلند بود. خم شدم روی سر او.

- ها بله! بگو؟

مردمک چشمش را چرخاند و بالای سرش را نگاه کرد.

امدادگر هم انگار مرده شوری که مرده شستن برایش



# تنگ‌نای نفوس پهلوی

کشور ما در دوران طاعت‌ت عمداً عقب‌نگه داشته می‌شد و استعدادها سرکوب و به زنجیر کشیده می‌شد. نمی‌توانستند ببینند کشوری از لحاظ علمی پیشرفت کند و رقیب آنها شود! انقلاب اسلامی و نظام اسلامی کشور را از وابستگی تحت‌ادانین قیدوبندها رها کرد و راه ملت را باز کرد. **توسعه**



شهادت،

یعنی وارد شدن در حریم خلوت الهی  
و میهمان شدن بر سر سفره‌ی ضیافت الهی؛  
این خیلی با عظمت است.

